

۳
جهانجنگ با تبعیض
ناوی پیلای برنده نوبل صلح شد۴
کافهنویسنده خجالتی
آن کارسون برنده نوبل ادبیات شد۶
توسعهمرد صنعت
محسن خلیلی عراقی درگذشت۷
کوچهابهام ۱۱۰ هکتاری
ماجرای اختصاص زمین‌های چابهار
به افغانستان چیست؟

گزارش یک

کارگزاران سازندگی؛ گذار از

«جمهوری دوم» به «جمهوری سوم»

سخنرانی محمد قوچانی، عضو شورای مرکزی
و رئیس کمیته سیاسی حزب کارگزاران سازندگی ایران
در نشست دبیران اول استان‌های این حزب

گروه سیاسی: سه دهه پس از شکل‌گیری حزب کارگزاران سازندگی ایران، بازخوانی کارنامه این جریان سیاسی بار دیگر به فرصتی برای بررسی نسبت آن با گذشته و آینده جمهوری اسلامی تبدیل شده است. محمد قوچانی، عضو شورای مرکزی و رئیس کمیته سیاسی حزب کارگزاران سازندگی ایران، در نشست دبیران اول استان‌های این حزب، با مرور فراز و فرودهای این تشکیلات از سال ۱۳۷۴ تاکنون، به بررسی دستاوردها، ناکامی‌ها و جایگاه آن در تحولات پیش‌روی کشور پرداخته؛ تحولاتی که در چارچوب این بحث، از آن با عنوان گذار از «جمهوری دوم» به «جمهوری سوم» یاد می‌کند.

جمهوری دوم؛ زمینه‌های شکل‌گیری کارگزاران (۱۳۷۴-۱۳۶۸)

در تحلیل قوچانی، تاریخ جمهوری اسلامی از منظر تحولات ساختار سیاسی به دو دوره تقسیم می‌شود. دوره نخست، از سال ۱۳۵۸ تا بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، و دوره دوم، از بازنگری قانون اساسی تاکنون. بر این اساس، جمهوری اول با ساختاری نسبتاً پارلمانی، محوریت بیشتر مجلس و پراکندگی قدرت شناخته می‌شود؛ درحالی‌که بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، با تقویت تمرکز قدرت، تثبیت جایگاه ولایت مطلقه فقیه و تغییر ساختار اجرایی به سمت نظامی ریاستی‌تر، زمینه شکل‌گیری جمهوری دوم را فراهم کرد. در این دوره، نهادهایی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی امنیت ملی نیز در ساختار تصمیم‌گیری کشور جایگاه مهم‌تری پیدا کردند. جمهوری دوم از نظر حقوقی همچنان برقرار است، اما تغییرات سیاسی داخلی، تحولات رهبری، مناسبات دولت و حکومت و شرایط بین‌المللی می‌توانند زمینه عبور از این مرحله و شکل‌گیری نظامی تازه را فراهم کنند. قوچانی معتقد است که چهار تحول اساسی، زمینه‌های شکل‌گیری جمهوری دوم و ظهور گفت‌وگو سازندگی را تشکیل دادند:

نخست، پایان جنگ ایران و عراق بود. پایان جنگ ضرورت بازسازی کشور و تغییر اولویت‌های حکمرانی را برجسته کرد. در چنین شرایطی، دولت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با تأکید بر بازسازی زیرساخت‌ها، احیای ظرفیت‌های اقتصادی و توسعه کشور روی کار آمد.

دوم، بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ بود که ساختار قدرت را متمرکزتر کرد و به تغییر مناسبات میان نهادهای سیاسی انجامید.

سوم، شکل‌گیری آرایش سیاسی جدید و عبور تدریجی از سلطه جناح چپ سنتی بر بخش‌های مهمی از ساختار اجرایی و سیاسی کشور بود. در دهه ۱۳۶۰، نیروهای چپ در دولت، مجلس و قوه قضائیه حضور مؤثری داشتند، اما در آستانه دهه ۱۳۷۰، مناسبات سیاسی در حال تغییر بود.

چهارم، ظهور راهبردها توسعه برای اداره کشور بود. به باور قوچانی، حزب کارگزاران سازندگی در چنین بستری شکل گرفت؛ جریانی که می‌کوشید نماینده مناسبات سیاسی و اقتصادی جدید باشد و توسعه را به یکی از محورهای اصلی سیاست‌ورزی در ایران تبدیل کند.

کارگزاران؛ حزبی فراتر از ایدئولوژی

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی در ادامه هویت اولیه حزب را بر پایه چند ویژگی متمایز توضیح داد:

۱ اولین حزب غیرایدئولوژیک: قوچانی معتقد است که نخستین ویژگی کارگزاران، فاصله گرفتن از الگوی حزب ایدئولوژیک بود. او در ادامه توضیح می‌دهد که وظیفه اصلی حزب نه تجسس در عقاید و باورهای شهروندان، بلکه اداره امور عمومی، بهبود شرایط زندگی مردم و ارائه راه‌حل برای مسائل کشور است. بر همین اساس، کارگزاران بر این باور بود که مسلمان بودن اعضای حزب و توجه به دین به‌عنوان یک ارزش فرهنگی، لزوماً به‌معنای تعریف حزب براساس ایدئولوژی دینی نیست. در این چارچوب، اندیشه‌های عبدالکریم سروش در گسترش این نوع نگاه به دین و سیاست نقش مهمی داشت.

۲ حزب شهروندی: دومین ویژگی از نظر قوچانی، تأکید بر مفهوم شهروند و حقوق برابر شهروندان بود. در رویکرد او، شهروند صرفاً عضوی از یک گروه اعتقادی یا سیاسی نیست، بلکه فردی است که به اعتبار زندگی در جامعه، مستحق برخورداری از خدمات عمومی است. قوچانی معتقد است که مفهوم شهروندی می‌توانست فراتر از مناسبات سنتی مبتنی بر هم‌فکری سیاسی یا هم‌عقیدگی مذهبی، مبنایی برای همکاری اجتماعی باشد.

ادامه در صفحه ۸



دستور کار جدید کارگزاران

۲
ایران

سید حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در نشست دبیران اول استان‌های این حزب، از تمامی اعضای حزب در سراسر کشور خواست تا برای اصلاح کم‌هزینه حاکمیت و عدم تکرار بحران‌های سیاسی و انسانی گذشته، راهی برای تعامل میان جامعه مدنی و نهادهای حکومتی جهت اداره کشور پیدا کنند.





سال نهم شماره ۲۳۴۸
شنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۵

یادداشت وارده

از معرفی فرصت تا اجرای تعهد

درباره شیراز اکسیو ۲۰۲۶



مسعود گودرزی

معاون هماهنگی امور اقتصادی
استانداری فارس

فرصت سرمایه‌گذاری زمانی برای سرمایه‌گذار معنا پیدا می‌کند که جای آن در اقتصاد روشن باشد. یک پروژه، هر قدر جذاب به‌نظر برسد، بدون شناخت بازار، حلقه‌های پیشین و پسین و همچنین مسیری که قرار است در اقتصاد طی کند، نمی‌تواند تصویر کاملی از فرصت ارائه دهد. به همین دلیل، ما تلاش می‌کنیم که آماده‌سازی فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای شیراز اکسیو چیزی فراتر از تهیه فهرستی از پروژه‌ها باشد.

در گردشگری، صنعت، معدن و کشاورزی، نگاه به زنجیره ارزش می‌تواند همین مسئله را روشن کند. سرمایه‌گذار باید بداند ورود او کدام حلقه را تکمیل می‌کند؛ چه ظرفیت‌هایی پیش و پس از آن وجود دارد و محصول یا خدمت نهایی به کدام بازار متصل می‌شود. فرصت سرمایه‌گذاری وقتی در چنین چارچوبی تعریف شود، از یک عنوان روی کاغذ فاصله می‌گیرد و به یک مسیر اقتصادی قابل ارزیابی تبدیل می‌شود.

این فرصت‌ها همچنین باید با جهت‌گیری‌های توسعه‌ای و برنامه‌های بالادستی هماهنگ باشند. بررسی دقیق پروژه‌ها، انتخاب درست شرکت‌ها و ارائه اطلاعات روشن، بخشی از همین آماده‌سازی است. برای مخاطبان خارجی نیز ارائه این فرصت‌ها به زبان‌های مختلف می‌تواند شناخت آنها از ظرفیت‌های موجود را آسان‌تر کند.

باید بدانیم که سرمایه‌گذاری با معرفی فرصت به نتیجه نمی‌رسد. بخش مهمی از این مسیر، در گفت‌وگو شکل می‌گیرد؛ جایی که سرمایه‌گذار، فعال اقتصادی و دستگاه اجرایی درباره مسئله واقعی صحبت می‌کنند. حضور مدیران ملی و استانی، اتاق‌های بازرگانی و فعالان بخش خصوصی در میزهای خدمت، زمانی ارزش اقتصادی پیدا می‌کند که مسائل مشخصی در آنها مطرح و برایشان مسیر روشن پیگیری تعیین شود. نحوه استقبال از سرمایه‌گذار نیز بخشی از همین فرآیند است. احترام، نظم و کیفیت برخورد، جزئیات تشریفاتی نیستند. کسی که برای بررسی یک فرصت اقتصادی وارد استان ما می‌شود، همزمان با پروژه، شبیوه تعامل دستگاه اجرایی و جدیت طرف مقابل در پیگیری، مسائل را هم ارزیابی می‌کند. اگر بخش خصوصی قرار است در توسعه شریک باشد، باید این شراکت را در رفتار و تصمیم‌گیری دستگاه‌ها نیز ببیند. نقطه تعیین‌کننده بعد از نمایشگاه است. تفاهم‌نامه‌ای که پیگیری نشود، مذاکره‌ای که ادامه پیدا نکند و وعده‌ای که به اجرا نرسد، ارزش اقتصادی پایداری را ایجاد نخواهد کرد. مسئله نقطه تعداد توافقات نیست؛ مسئله این است که چند ارتباط به مرحله عمل می‌رسد.

از اینجا به‌بعد، مسئولیت‌ها روشن‌تر می‌شود؛ فرصت معرفی‌شده باید پیگیری شود؛ مذاکره باید ادامه پیدا کند و تعهد باید به اجرا برسد. اعتبار یک رویداد اقتصادی نیز در همین نقطه ساخته می‌شود. شیراز اکسیو اگر بتواند میان فرصت سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار، دستگاه اجرایی و مسیر اجرا ارتباط برقرار کند، آنچه در نمایشگاه آغاز شده، می‌تواند بیرون از نمایشگاه به سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی تبدیل شود.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

دستور کار جدید کارگزاران

سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در نشست دبیران اول استان‌های این حزب، از تمامی اعضای حزب در سراسر کشور خواست تا برای اصلاح کم‌هزینه حاکمیت و عدم تکرار بحران‌های سیاسی و انسانی گذشته، راهی برای تعامل میان جامعه مدنی و نهادهای حکومتی جهت اداره کشور پیدا کنند



اسلامی در خارج از کشور و چه در میان نیروهای وفادار به نظام، به مسئله‌ای خطرناک برای آینده ایران تبدیل شده است. او تأکید کرد که باید برای تبدیل جریان‌های واگرا به جریانی همگرا تلاش کرد که هدف مشترک آن اصلاح واقعی امور ایران باشد.

اولویت باید اقتصاد باشد

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در ادامه تأکید کرد که در شرایط کنونی نمی‌توان همه مطالبات را در کوتامدت محقق کرد و باید اولویت‌های کشور را به‌درستی تشخیص داد. او با اشاره به فشارهای خارجی گفت که دونالد ترامپ و اسرائیل نتوانسته‌اند جمهوری اسلامی را از پا در آورند، اما اقتصاد کشور می‌تواند به نقطه آسیب‌پذیر اصلی تبدیل شود. مرعشی با اشاره به تورم صددرصدی، درباره پیامدهای آن هشدار داد و تأکید کرد که برای جلوگیری از تشدید بحران، باید امتیازهای لازم در کوتامدت داده شود، کشور از جنگ دور بماند و زمینه برای رشد اقتصادی فراهم شود. به گفته دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی، ایران برای غلبه بر مشکلات خود به یک دوره ۲۰ ساله رشد اقتصادی بالا، در حدود ۱۰ درصد، نیاز دارد. مرعشی در پایان با تأکید بر ضرورت پرهیز از خودخواهی، غرور، خودکمرپینی و تمامیت‌خواهی در عرصه سیاسی، گفت: «حزب کارگزاران سازندگی باید پایستد و کمک کند که جمهوری اسلامی در مسیر اصلاح قرار بگیرد».

سایه امنیت بر سیاست

محمد عطریانفر، عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران نیز در این نشست، با تأکید بر ضرورت تقویت کار جمعی و پرهیز از نادیده گرفتن نقش افراد در فعالیت‌های حزبی، گفت که مسیر پیش‌رو با همدلی و تلاش تیمی، قابل پیمودن است و می‌توان به آینده‌ای بهتر امیدوار بود.

عطریانفر در ادامه، مطالعه کتاب «بر لبه تهیای» نوشته ولی نصر را به حضاران توصیه کرد و گفت این اثر، با وجود آنکه می‌تواند زمینه‌ساز بحث و اختلاف‌نظر باشد، تلاشی برای ارائه تصویری از منظومه فکری نویسنده درباره تحولات سیاسی و اجتماعی ایران است. به گفته او، محور اصلی کتاب، تبیین چیستی و چرایی رفتار حاکمیت ایران در شرایط کنونی است. در روایت ولی نصر، انقلاب ایران اگرچه به سقوط رژیم پهلوی انجامید، اما شکل‌گیری نظام سیاسی پس از انقلاب را نمی‌توان صرفاً به خود انقلاب محدود کرد؛ بلکه باید نقش جنگ ایران و عراق و پیامدهای آن را نیز در این روند در نظر گرفت.

عطریانفر با تشریح این دیدگاه توضیح داد که جنگ، ایران را با واقعیت تهیایی در عرصه قدرت جهانی و ضرورت اتکا به ظرفیت‌های داخلی برای دفاع از استقلال و موجودیت خود روبه‌رو کرد. از این منظر، تجربه جنگ و نگرانی از تهدیدهای بیرونی، به تقویت رویکردی امنیت‌محور در اداره کشور انجامید که به‌تدریج در بخش‌های مختلف ساختار سیاسی و مناسبات حکمرانی گسترش یافت. او با اشاره به پیامدهای چنین نگاهی گفت که غلبه رویکرد امنیتی می‌تواند به افزایش مداخلات نهادهای مختلف در امور اجرایی و محدود شدن اختیارات دستگاه‌های مسئول منجر شود. به باور او، نقش تعیین‌کننده نمایندگان ولی‌فقیه در استان‌ها، مداخلات نهادهای اطلاعاتی در حوزه‌های گوناگون و آنچه او مداخلات گسترده دستگاه قضایی در امور اجرایی توصیف کرد، از جمله مسائلی است که در چارچوب این تحلیل قابل بررسی است.

معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در ادامه تأکید کرد که هرگاه موضوعی در تعارض با برداشت امنیت‌محور از بقای نظام و استقلال کشور قرار بگیرد، ممکن است با مقاومت مواجه شود. از نگاه او، عبور از این وضعیت و تغییر جهت‌گیری‌های موجود، نیازمند تلاش مستمر، فعالیت حزبی و تقویت کار جمعی است.

حل‌نشده باقی مانده‌اند؛ از جمله حوادث سال ۱۳۸۸ و حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴. او با اشاره به دشواری جبران گذشته، تأکید کرد که مسئله اصلی باید جلوگیری از تکرار حوادث مشابه در آینده باشد و حزب کارگزاران نیز باید بر ایجاد سازوکاری برای مدیریت بحران‌ها و تغییر شیوه اداره کشور تمرکز کند.

مرعشی برای توضیح این رویکرد به تجربه اروپا پس از دو جنگ جهانی اشاره کرد و گفت که این‌قاره پس از جنگ‌هایی که ده‌ها میلیون کشته بر جای گذاشتند، به‌جای تمرکز صرف بر تعیین مقصران و ارزیابی مسئولیت‌های گذشته، به‌دنبال ایجاد ترتیباتی رفت که از تکرار جنگ جلوگیری کند. او پرسید: «آیا ما می‌توانیم در ایران، بعد از این‌همه حوادث پرهزینه، میان جامعه مدنی و نهادهای حاکمیتی و همچنین میان احزاب سیاسی، به موضوع و شیوه‌ای در اداره کشور برسیم که دیگر با این بحران‌ها مواجه نشویم؟» دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در ادامه تأکید کرد که این مسئله باید به یکی از محورهای اصلی فعالیت حزب تبدیل شود.

مرعشی در ادامه، با اشاره به نتایج نظرسنجی‌های پس از جنگ، از تغییر گرایش‌های جامعه گفت. به گفته او، در سه یا چهار نظرسنجی، حدود ۵۵ درصد پاسخگویان معتقد بودند که جمهوری اسلامی باید اصلاح شود و حدود ۱۵ درصد نیز این نظام را اصلاح‌ناپذیر دانسته‌اند. او این تغییر گرایش را مهم ارزیابی کرد و با تأکید بر تجربه سیاسی خود گفت: «در حال حاضر، هیچ راهی کم‌هزینه‌تر از اصلاح امور ایران و اصلاح جمهوری اسلامی، وجود ندارد».

او در ادامه به دیدار خود با اکبر هاشمی‌رفسنجانی در آستانه انتخابات مجلس ششم اشاره کرد. به گفته مرعشی، او و برخی دیگر از فعالان سیاسی از هاشمی پرسیده بودند که چرا با وجود سابقه طولانی ریاست‌جمهوری و ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام، قصد ورود به مجلس را دارد. مرعشی نقل کرد که هاشمی در پاسخ گفته بود ایران در یک دوراهی قرار دارد: در یک مسیر، ممکن است نیروهایی موفق به سرنگونی جمهوری اسلامی شوند، اما نتوانند نظام بهتری جایگزین کنند و وضعیت کشور از شرایط موجود نیز بدتر شود؛ در مسیر دیگر، ممکن است حاکمیت فضای سیاسی را ببندد و جمهوریت را از میان ببرد.

به روایت مرعشی، هاشمی هدف خود را جلوگیری از حرکت کشور به سوی هر یک از این دو مسیر و تلاش برای گرفتن امتیازهایی از هربری، باز کردن فضا برای جوانان و قرار دادن نظام در مسیر درست عنوان کرده بود. او با اشاره به تداوم اعدام‌ها و هزینه‌های انسانی ناشی از تحولات سیاسی گفت که جابه‌جایی نظم سیاسی به‌معنای برقراری فوری امنیت نیست و نمی‌توان انتظار داشت که پس از تغییر حکومت، کشور بلافاصله از درگیری و خشونت فاصله بگیرد.

از دست رفتن سهم ایران در بازار جهانی نفت

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در بخش اقتصادی سخنان خود، به کاهش سهم ایران در بازار جهانی نفت اشاره کرد و گفت که ایران در سال ۱۳۵۶، با تولید حدود پنج تا پنج‌ونیم میلیون بشکه نفت در روز، نزدیک به ۹ درصد بازار جهانی نفت را در اختیار داشت. او افزود که سهم ایران از این بازار در حال حاضر به حدود ۳.۵ درصد کاهش یافته و تأکید کرد که عدم‌انفع ناشی از کاهش سهم ایران در بازار جهانی نفت تاکنون از چهار هزار میلیارد دلار فراتر رفته است. مرعشی این رقم را در کنار بحث‌های جاری درباره آزادسازی حدود ۱۲میلیارد دلار از منابع مالی ایران قرار داد و گفت که این مقایسه نشان می‌دهد تحولات و تصمیم‌های پرهزینه چگونه می‌توانند منافع اقتصادی کشور را در بلندمدت تحت‌تأثیر قرار دهند. او در ادامه با تأکید بر مسئولیت سیاسی و اجتماعی حزب کارگزاران گفت که اعضای حزب باید با خویشتن‌داری، بزرگواری و پرهیز از خودخواهی برای اصلاح امور کشور تلاش کنند. او با اشاره به تشدید شکاف‌ها در جامعه گفت که جریان واگرایی، چه در میان مخالفان جمهوری

گروه سیاسی: نشست دبیران استان‌های حزب کارگزاران سازندگی ایران، صبح پنج‌شنبه در تهران برگزار شد. در این نشست، اعضای ستاد مرکزی حزب، ازجمله سیدحسین مرعشی؛ دبیرکل، محمد عطریانفر؛ معاون سیاسی، امیر اقتناعی؛ معاون اجرایی و هماهنگی، بدالله طاهرزاد؛ معاون اجتماعی، علی محمد نمازی؛ معاون استان‌ها، سیدمحمد علیزاده‌طباطبایی؛ معاون حقوقی و فائزه هاشمی؛ رئیس سازمان زنان حزب، همراه جمعی دیگر از اعضای ستاد مرکزی حزب کارگزاران حضور داشتند.

در این نشست، پس از استماع دیدگاه‌ها و نظرات دبیران اول استان‌ها، اعضای ستاد مرکزی نیز به بیان دیدگاه‌های خود درباره شرایط امروز ایران، چشم‌انداز پیش‌روی کشور و نقش و جایگاه حزب کارگزاران سازندگی در وضعیت کنونی پرداختند. محمد قوچانی، رئیس کمیته سیاسی حزب، سخنران اصلی این نشست بود که مشروح اظهارات او در همین شماره منتشر شده است. در ادامه، گزارش بخشی از مباحث مطرح‌شده در این نشست را می‌خوانید.

دو خطای حاکمیت در مواجهه با بحران

سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، در این جلسه با انتقاد از نحوه مواجهه حاکمیت با حوادث دی‌ماه، بر ضرورت خویشتن‌داری، جلوگیری از تکرار بحران‌ها، تبدیل جریان واگرایی به همگرایی و اولویت دادن به اصلاحات و رشد اقتصادی تأکید کرد. او با مرور تجربه‌های سیاسی و اجرایی گذشته، معتقد است که عبور از بحران‌های کنونی بیش از هر چیز به تغییر شیوه اداره کشور و پذیرش ضرورت اصلاحات نیاز دارد.

مرعشی حوادث ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه را از روزهای بسیار تلخ تاریخ معاصر ایران توصیف کرد و با اشاره به شرایطی که پیش از وقوع این حوادث در کشور شکل گرفته بود، گفت: «مهم‌ترین مسئله‌ای که در این‌دو روز اتفاق افتاد، این بود که نظام جمهوری اسلامی مطلقاً متوجه حساسیت زمان نشده بود». او توضیح داد که پیش از وقوع حوادث، به برخی مسئولان درباره شرایط پیش‌رو هشدار داده بود. به گفته دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی، مجموعه‌ای از تحولات داخلی و خارجی، از فراخوان‌های اعتراضی و پیام دونالد ترامپ درباره احتمال ورود برای دفاع از مردم ایران گرفته تا عملیات آمریکا در وئزولا و بازداشت نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور این کشور، شرایطی را رقم زده بود که نیازمند درک دقیق حساسیت‌های زمانی از سوی حاکمیت بود. برهمین اساس، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران معتقد است که نخستین خطای حاکمیت، ناتوانی در درک شرایط و حساسیت زمانی بود و خطای دوم، نداشتن ظرفیت تحمل ناآرامی‌ها پس از آشکار شدن ابعاد بحران. مرعشی با انتقاد از نحوه برخورد با معترضان تأکید کرد که هدف باید جلوگیری از تکرار چنین حوادثی باشد و افزود: «اول باید با پیشگیری و نگاه درست به مسئله، از این حوادث درس بگیریم».

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در ادامه، به تجربه مسعود پزشکیان در مدیریت اجرایی اشاره کرد و گفت که با وجود ویژگی‌های مثبت او، کسانی‌که از نامزدی‌اش حمایت کردند، باید پیش‌تر به این پرسش توجه می‌کردند که فردی که سابقه اداره یک استان یا مدیریت یک بحران سیاسی و اجتماعی را نداشته، چگونه می‌تواند در جایگاه رئیس شورای عالی امنیت ملی با بحران‌های بزرگ مواجه شود. مرعشی با یادآوری دوران استانداری خود در کرمان گفت که در دو مقطع در جبهه و یک مقطع در برده‌سیر، با اعتراض‌های گسترده مردمی مواجه شده بود. او توضیح داد که در یکی از این موارد، انتقال آب به رفسنجان با اعتراض مردم روبه‌رو شد و جمعیت زیادی به خیابان آمدند. مرعشی می‌گوید در مقام رئیس شورای تأمین، دستور داده بود نیروهای مستقر در پاسگاه فقط در صورت حمله به پاسگاه از خود دفاع کنند و تا حد امکان از برخورد با مردم خودداری شود؛ حتی اگر معترضان به اموال عمومی آسیب بزنند. او افزود که در آن حوادث، شهرداری نیز به آتش کشیده شد، اما با وجود خسارت‌ها، کسی کشته نشد. پس از آن، با تعطیلی ادارات منطقه برای مدتی، شرایط به‌تدریج تغییر کرد و در نهایت، به گفته مرعشی، حدود ۵۰۰ نفر از مردم برای بازگشایی ادارات مراجعه و عذرخواهی کردند. او گفت که دو بار نیز در جبهه شرایط مشابهی را تجربه کرده است و نتیجه گرفت که ناآشنایی با مدیریت اجرایی و بحران می‌تواند به تصمیم‌های شتاب‌زده و صدور دستورهای شدید منجر شود.

ضرورت عبور از گذشته و جلوگیری از تکرار بحران

مرعشی در بخش دیگری از سخنان‌ش با طرح این پرسش که آیا حاکمیت حاضر است برای جبران حوادث گذشته اقدامی انجام دهد، گفت که بسیاری از مسائل تاریخی و سیاسی کشور همچنان



گفت‌وگو برای پایان جنگ

دیدار پزشکیان و پوتین در ترکمنستان

گروه بین‌الملل: مسعود پزشکیان روز پنج‌شنبه در حالی وارد ترکمنستان شد که سفر او دو دستورکار مهم را به‌هم پیوند می‌داد؛ تقویت روابط ایران با کشورهای منطقه و رازی‌نی درباره آینده همکاری‌های سیاسی و زیست‌محیطی در حوزه خزر. حضور رئیس‌جمهور ایران در اجلاس سران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به‌عنوان مهمان ویژه و دیدار او با ولادیمیر پوتین در کنار شرکت در نشست کشورهای ساحلی دریای خزر، فرصتی برای تهران فراهم کرد تا هم بر جایگاه منطقه‌ای خود تأکید کند و هم درباره تحولات جاری و بحران فزاینده محیط‌زیستی خزر رازی‌نی کند.

فرصتی برای تهران

اجلاس سران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، مجموعه‌ای از کشورهای برخاسته از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ را گردهم می‌آورد. این سازمان با هدف حفظ و گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی جمهوری‌های سابق شوروی شکل گرفت هرچند همه کشورهای این منطقه، عضو آن نیستند. ایران نیز عضویت این سازمان را ندارد اما امسال به‌عنوان مهمان ویژه در نشست سران حضور یافت. پزشکیان این دعوت را فرصتی برای تقویت پیوندهای موجود و گشودن فصل تازه‌ای از همکاری‌ها دانست و تأکید کرد که ایران خود را بخشی طبیعی از

جغرافیای به‌هم‌پیوسته منطقه می‌داند؛ جغرافیایی که به گفته او، ریشه در تاریخ، فرهنگ، تمدن و پیوندهای مردمی دارد. این حضور در شرایطی انجام شد که مسکو نیز بر اهمیت همکاری‌های منطقه‌ای و کاهش وابستگی به سازوکارهای مالی تحت نفوذ غرب تأکید می‌کند.

پیام اقتصادی پوتین

ولادیمیر پوتین در سخنرانی خود اعلام کرد، حجم تجارت روسیه با کشورهای عضو کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در سال ۲۰۲۵ از ۱۱۰ میلیارد دلار فراتر رفته است. به گفته او ۹۰ درصد مبادلات تجاری این مجموعه با ارزهای ملی انجام شده است. رئیس‌جمهور روسیه این روند را عاملی برای تعمیق همکاری‌های اقتصادی بدون وابستگی به نفوذ خارجی توصیف کرد. این اظهارات نشان می‌دهد که مسکو همچنان به‌دنبال تقویت پیوندهای اقتصادی با کشورهای پیرامونی و استفاده از سازوکارهای جایگزین برای مبادلات مالی است؛ رویکردی که با توجه به فشارهای غرب بر روسیه اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

حمایت مسکو از تهران

یکی از مهم‌ترین بخش‌های سفر پزشکیان، دیدار او با پوتین در حاشیه اجلاس بود؛ دیداری که مسائل دوجانبه و تحولات مرتبط با درگیری‌های منطقه‌ای در آن مطرح شد. پوتین در آغاز این گفت‌وگو از تلاش‌های

ایران برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها سخن گفت و تأکید کرد که تهران در آغاز این بحران، نقشی نداشته است. او همچنین با اشاره به پیشنهادهای جدید ایران برای پایان دادن به وضعیت موجود، آمادگی روسیه را برای کمک به تهران اعلام کرد. پزشکیان نیز ضمن تمجید از روابط تهران و مسکو از موضع روسیه در مخالفت با یکجانبه‌گرایی آمریکا قدردانی کرد. رئیس‌جمهور ایران در عین حال تأکید کرد که پایان درگیری‌ها باید با احترام به حقوق ایران همراه باشد. او درباره روند مذاکرات گفت، تهران پیشنهادهایی ارائه کرده و واشنگتن نیز پیشنهادهای تازه‌ای مطرح کرده است. به گفته پزشکیان، ایران برخی اصلاحات را در پیشنهادهای خود انجام داده و پس از تکمیل این روند امکان گفت‌وگو با میانجی‌ها برای نهای کردن پیشنهادها فراهم خواهد شد.

بحران دریای خزر

در کنار تحولات سیاسی، نشست محیط‌زیستی دریای خزر نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این دریا میان ایران، روسیه، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان مشترک است و کاهش مداوم سطح آب آن به یکی از نگرانی‌های جدی کشورهای ساحلی تبدیل شده است. بیش از ۸۰ درصد آب ورودی خزر از رودخانه ولگا تأمین می‌شود. کاهش سطح آب در سال‌های اخیر، بخش‌هایی از بستر دریا را نمایان کرده و حتی به آشکار شدن خشکی‌های جدید در نزدیکی



سواحل قزاقستان انجامیده است. براساس داده‌های مؤسسه تحقیقات قزاقستان در دریای خزر بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ مساحت پوشیده از آب در بخش مورد مطالعه در شمال شرقی این دریا حدود ۱۶ هزار و ۳۸۴ کیلومتر مربع کاهش یافته است. تصاویر ماهواره‌ای سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۶ نیز عقب‌نشینی آب در اطراف جزیره کولالی و مجمع‌الجزایر تیولنی را نشان می‌دهد.

تلاش جمعی برای نجات خزر

قزاقستان پیشنهاد تدوین برنامه‌ای بین‌دولتی برای حفاظت از منابع آبی خزر را مطرح کرده است. همزمان پنج کشور ساحلی در چارچوب کنوانسیون تهران روی برنامه عملیاتی سال‌های ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۶ کار می‌کنند. بهبود پایش وضعیت دریا، ارزیابی پیامدهای تغییر سطح آب و تدوین راهکارهای سازگاری با شرایط جدید از اهداف این برنامه است. مدیریت مصرف آب و حفاظت از اکوسیستم‌های ساحلی نیز به همکاری مشترک نیاز دارد. برای ایران، سفر به ترکمنستان تنها حضور در یک اجلاس سیاسی نبود؛ این سفر فرصتی برای پیشبرد همزمان دیپلماسی منطقه‌ای و همکاری‌های زیست‌محیطی بود. با این حال موفقیت چنین رویکردی به آن بستگی دارد که گفت‌وگوهای سیاسی و توافقات کارشناسی به اقدامات عملی برای کاهش تنش‌ها و مقابله با بحران خزر تبدیل شوند.

آمریکا

سردرگمی آمریکا

ترامپ ناگهان از جنگ منصرف شد

درحالی که گزارش‌ها از آماده‌باش نیروهای آمریکایی برای حمله‌ای گسترده به ایران حکایت دارد، دونالد ترامپ فعلاً تصمیم گرفته است به دیپلماسی فرصت دهد؛ تصمیمی که همزمان با ادامه محاصره بنادر ایران و مذاکرات غیرمستقیم تهران و واشنگتن از تداوم سایه جنگ بر روابط دو کشور خبر می‌دهد.

شبکه العربیه به نقل از یک منبع نظامی مدعی شد نیروهای آمریکایی روز ۴ اکتبر تا نیمه‌شب به وقت آمریکا در حالت آماده‌باش برای اجرای عملیات نظامی علیه ایران قرار داشتند. براساس این گزارش، انتظار برای دریافت دستور نهایی تا ساعات اولیه روز دوشنبه ادامه یافت اما ترامپ در نهایت تصمیم گرفت، حمله را به تعویق بیندازد و چند هفته دیگر به مسیر دیپلماتیک فرصت دهد.

رئیس‌جمهور آمریکا روز پنج‌شنبه نیز از آنچه «گفت‌وگوهای سازنده» با ایران خواند، سخن گفت و اعلام کرد، واشنگتن پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در ماه نوامبر، حمله‌ای علیه ایران انجام نخواهد داد. با این حال او تأکید کرد، محاصره بنادر ایران همچنان برقرار است و نفت نیز از تنگه هرمز عبور می‌کند؛ موضعی که نشان می‌دهد تعویق گزینه نظامی لزوماً به‌معنای کاهش فشار اقتصادی نیست. همزمان عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، اعلام کرد تهران در حال بررسی پاسخ آمریکا به پیشنهاد «طرح هفت‌روزه بازگشایی تنگه هرمز» است و طی چند روز آینده، دیدگاه خود را اعلام خواهد کرد. به گفته او مذاکرات همچنان ادامه دارد و پیام‌ها از طریق میانجی‌ها ردوبدل می‌شود. این پیشنهاد بر بازگشایی تنگه هرمز و از سرگیری مذاکرات تهران و واشنگتن متمرکز است؛ مسیری که می‌تواند، فرصتی برای مهار تنش‌ها فراهم کند هرچند اختلافات اساسی دو طرف همچنان پابرجاست.

در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، خودداری موقت ترامپ از حمله می‌تواند به محاسبات سیاسی داخلی نیز ارتباط داشته باشد. یک عملیات نظامی، حتی اگر تأسیسات هسته‌ای و موشکی ایران را هدف قرار دهد، لزوماً به دستاوردی سیاسی برای رئیس‌جمهور آمریکا و جمهوری‌خواهان تبدیل نخواهد شد. خطر گسترش درگیری، پیامدهای اقتصادی و احتمال پاسخ متقابل ایران می‌تواند، هزینه‌های جنگ را افزایش دهد.



پرونده‌ای مناقشه‌برانگیز

یکی دیگر از بخش‌های مهم فعالیت‌های اخیر پیلا ی سرزمین‌های اشغالی فلسطین مربوط می‌شود؛ موضوعی که در سال‌های گذشته به یکی از کانون‌های اصلی اختلاف در نهادهای بین‌المللی تبدیل شده است. او از ژوئیه ۲۰۲۱ تا سال ۲۰۲۵ ریاست کمیسیون مستقل بین‌المللی تحقیق سازمان ملل درباره سرزمین‌های اشغالی فلسطین را برعهده داشت. این کمیسیون را شورای حقوق بشر سازمان ملل در سال ۲۰۲۱ تشکیل داده بود. پیلا ی در اکتبر ۲۰۲۵ هنگام ارائه یافته‌های کمیسیون به کمیته‌ای از مجمع عمومی سازمان ملل گفت، تحلیل حقوقی این نهاد مسئولیت اسرائیل در قبال نسل‌کشی در غزه را اثبات کرده است. این موضع، بخشی از پرونده حقوقی و سیاسی گسترده‌تری است که درباره اقدامات اسرائیل در غزه و مسئولیت‌های بین‌المللی آن شکل گرفته است. او همچنین در پرونده‌ای در دیوان بین‌المللی دادگستری حضور داشته که در آن میانمار به نسل‌کشی متهم شده است. این پرونده‌ها نشان می‌دهند که فعالیت‌های حقوقی پیلا ی تا سال‌های اخیر نیز با یکی از دشوارترین پرسش‌های نظام بین‌الملل گره خورده است؛ اینکه چگونه می‌توان در برابر اتهام‌های سنگین جنایت، سازوکارهای حقوقی را به ابزاری مؤثر برای پاسخگویی تبدیل کرد.

شوخی با ترامپ!

پیلا ی پس از آنکه از انتخاب خود به‌عنوان برنده جایزه صلح نوبل مطلع شد با لحنی شوخ‌طبعانه گفت هنوز کاملاً مطمئن نیستم، خبر واقعی باشد. او افزود: «اما از آنجا که وکیل و قاضی هستم هنوز می‌خواهم از صحت این موضوع مطمئن شوم». او سپس با اشاره‌ای کنایه‌آمیز به دونالد ترامپ گفت: «اگر کمی بیشتر تشویق کنید شاید این جایزه را با ترامپ تقسیم کنم». این شوخی در شرایطی مطرح شد که جایزه صلح نوبل سال گذشته نیز به موضوعی سیاسی تبدیل شده بود. ماریا کورینا ماچادو، رهبر مخالفان دولت ونزوئلا در سال ۲۰۲۵ این جایزه را به دلیل تلاش‌هایش برای ترویج حقوق دموکراتیک دریافت کرد. او بعدها جایزه خود را به ترامپ اهدا کرد؛ اقدامی که به‌عنوان تلاشی برای جلب حمایت رئیس‌جمهور آمریکا از تحولات سیاسی ونزوئلا تعبیر شد. با این حال مؤسسه نوبل نروژ تصریح کرد که جایزه صلح نوبل قابل پس گرفتن، تقسیم یا انتقال به فرد دیگری نیست. شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، نیز دقایقی پیش از اعلام برنده امسال در شبکه ایکس نوشت که کشورش ترامپ را به دلیل نقش ادعایی او در برقراری آتش‌بس میان پاکستان و هند نامزد دریافت جایزه کرده بود. شریف ابراز امیدواری کرد، تلاش‌های رئیس‌جمهور آمریکا برای ترویج صلح مورد تقدیر قرار گیرد. جایزه صلح نوبل که براساس وصیت آلفرد نوبل به افراد یا نهادهای فعال در مسیر صلح اعطا می‌شود امسال برای صدویست‌وششمین بار برگزار می‌شود. این جایزه ارزشی معادل ۱۲ میلیون کرون سوئد حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار دلار دارد و قرار است، دهم دسامبر در اسلو اهدا شود.

جامعه مدنی

جنگ با تبعیض

ناوی پیلا ی برنده نوبل صلح شد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

جایزه صلح نوبل امسال به زنی رسید که بخش مهمی از زندگی خود را در تقابل با تبعیض نژادی، دفاع از قربانیان جنایت‌های بین‌المللی و پیگیری عدالت در دادگاه‌های جهان گذرانده است. ناوانتم «ناوی» پیلا ی، حقوق‌دان و قاضی اهل آفریقای جنوبی و کمیسر پیشین عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد به دلیل تلاش‌هایش برای ترویج صلح و حقوق بین‌الملل، برنده این جایزه شد؛ انتخابی که در شرایط تشدید منازعات ژئوپلیتیکی و افزایش فشارها بر نهادهای بین‌المللی، فراتر از تجلیل از یک چهره حقوقی پر اهمیت پاسخگویی و حاکمیت قانون تأکید می‌کند.

کمیته نوبل نروژ هنگام اعلام این خبر تأکید کرد که نظام حقوق بین‌الملل و نهادهای پاسدار حاکمیت قانون با فشارهای فزاینده‌ای روبه‌رو هستند. از نگاه این کمیته حقوق‌دانانی مانند پیلا ی در برابر هرج‌ومرج و بی‌اعتنایی به قواعد مشترک جهانی، نقش یک سد دفاعی را ایفا می‌کنند. پیام اصلی این انتخاب روشن است؛ صلح پایدار بدون پاسخگویی در برابر جنایت‌ها و رعایت قانون دست‌یافتنی نخواهد بود.

یورگن واتسه فریدنس، رئیس کمیته نوبل نروژ، هنگام معرفی برنده جایزه گفت، پیلا ی نقشی اساسی در فراهم کردن زمینه پیگرد قضایی جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی داشته است. او افزود: «ناوی پیلا ی چندین دهه است که در خط مقدم توسعه حقوق بین‌الملل قرار داشته است». فریدنس با اشاره به کارنامه طولانی این حقوق‌دان از حمایت‌های او از نلسون ماندلا و دیگر زندانیان مبارزه با آپارتاید در جزیره روبن تا مشارکتش در پرونده‌های مهم قضایی بین‌المللی سخن گفت. مسیری که از مبارزه با تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی آغاز شد، در ادامه به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های رسیدگی به جنایت‌های بین‌المللی رسید.

آشنایی با برنده نوبل

پیلا ی در ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۱ (اول مهر ۱۳۲۰) در شهر دوربان آفریقای جنوبی متولد شد. پدرش راننده اتوبوس بود و او دوران کودکی و جوانی خود را در جامعه‌ای گذراند که نظام آپارتاید، زندگی و حقوق شهروندان را براساس نژاد از یکدیگر جدا می‌کرد. او در سال ۱۹۶۷ به نخستین زن غیرسفیدپوستی تبدیل



سال نهم شماره ۲۳۴۸
شنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۵

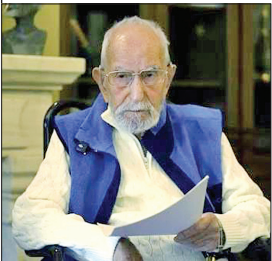
تازه‌های ادب و هنر

کافه

گزارش

رجعت شمس و مولانا

افتتاح بارگاه شمس تبریزی با پیام **محمدعلی موحد**



بارگاه شمس تبریزی شامگاه چهارشنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۵ با حضور وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، جمعی از مقامات کشوری و مذهبی و میهمان خارجی، ازجمله سفرا و چهره‌های ادبی، به‌صورت رسمی گشایش یافت. مجموعه بارگاه شمس تبریزی در زمینی به مساحت ۷ هزار مترمربع با ۳ هزار و ۵۰۰ مترمربع فضای مسقف، شامل گنبدخانه، پژوهشکده تخصصی، کتابخانه، گالری‌های

هنری و فضاهای فرهنگی است. افتتاح بارگاه شمس تبریزی در شرایطی انجام شد که خوی در سال‌های اخیر بیش از گذشته به ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی خود برای توسعه گردشگری تمرکز کرده است. در این میان، نام شمس تبریزی به‌عنوان یکی از چهره‌های اثرگذار در تاریخ عرفان، اندیشه و ادبیات فارسی، جایگاهی محوری در روایت فرهنگی این شهر دارد. برگزاری این آئین هم‌چنین در امتداد مجموعه‌ای از برنامه‌های فرهنگی و عمرانی امروز خوی انجام شد، از جمله رونمایی از تندیس شمس تبریزی در یکی از میداین اصلی شهر که به نام این عارف نام‌گذاری شده است.

شباهت‌های شگفت بین عصر مولانا و عصر ما

محمدعلی موحد در پیامی که به مناسبت آئین گشایش بارگاه شمس تبریزی در خوی ارسال کرد، با ابراز تأسّف از ناتوانی جسمانی و عدم امکان حضور در این مراسم، خطاب به حاضران گفت: «امروز مراسمی برگزار می‌شود در خوی به مناسبت مرمت و نوسازی مزار شمس تبریزی. دوستان جمع‌اند آن‌جا و من متأسفم که به علت ناتوانی و ضعف مفرط بر اثر پیری و عمر نتوانسته‌ام در خدمت آنان باشم. با خود می‌اندیشم که شاعر گفته است: من در میان جمع و دلم جای دیگر است. من امروز احساسی دارم درست معکوس آن‌چه شاعر گفته است: دلم با جمع دوستان است در خوی و تتم جای دیگر». موحد در ادامه پیام خود خطاب به حاضران در آئین گشایش بارگاه شمس تبریزی گفت: «یاد می‌کنم از عزیزان از دست‌رفته‌ام، علامه عباس زریاب و محمدامین ریاحی، که جای‌شان در این مراسم خالی است و دست‌میزاد می‌گویم به صاحبان همت بلند و نظر بلند که پروژه نوسازی این بقعه متبرک را به گردن گرفتند و موفقانه از فراز و فرود حوادث گذراندند. تبریک می‌گویم به همشهری‌های خطه نجف‌پور و پیرک‌وبار خوی که از چنین موهبتی برخوردار است». موحد در بخش دیگری از پیام خود، بر اهمیت برگزاری آئین‌هایی از این دست تأکید کرد و گفت: «مراسمی از این قبیل، به هر مناسبت و هر بهانه که باشد، امری مبارک است و تجدید عهدی است با بزرگان سلف و رمزی از بقا و استمرار جریان فرهنگی که ریشه در قرون و اعصار دارد». او در ادامه با نگاهی تاریخی، شرایط امروز جهان را با فضای اجتماعی و تاریخی عصر شمس و مولانا مقایسه کرد و گفت: «من اینک در گوشه منزل خود در تهران نشسته‌ام و به قول سعدی تأمل هم می‌کنم در اوضاع و احوال زمانه و شباهت شگفتی می‌بینم میان این شرایط، یعنی شرایط امروزی، با آن‌چه در قرن هفتم، معاصر شمس و مولانا، می‌گذشت. مقصود البته اشاره است به تاخت‌وتاز بی‌امان مغول در آسیا که در برخی جاها، مثل نیشابور، حتی بر سرگ و گربه هم ابقا نکردند و فضای تاریک، غم‌آلود و نومیدانه‌ای که لاجرم بر آن روزگار حاکم بود و شباهت تام آن با کشت‌وکشتارها و ویرانگری‌های حاصل از بمباران‌ها در عصر ما، غزه و غریب و غوغای تهدید و نعره‌های مهیب آنان که مدام سر می‌دهند و جهان ما را به وحشت‌سرای پرمخافت و شومی مبدل ساخته‌اند. آری، در قرن هفتم نیز مشابه چنین اوضاع و احوالی حاکم بود و درست در آن شرایط بود که شمس و مولانا سرس برآوردند و شلای مهر و محبت دادند و لوای عزت و امید برافراشتند. اینک به چشم دل من چنان می‌نماید که شمس و مولانا دارند رجعت می‌کنند، زیرا در کنار آن جریان می‌بینم که بازار مولانا رونق شگفت‌انگیزی می‌گیرد، مقالات شمس کشف می‌شود و نظر صاحب‌دلان را در شرق و غرب به خود جلب می‌کند. نوسازی مزار شمس هم به چشم من از علایم آن رجعت حیرت‌انگیز است و جرقه‌ای هرچند کوچک در همان مسیر. این البته نگرشی است احساسی و عاطفی، نه عقلانی و علمی. منظور نیست که بگوئیم بن‌بست‌های عظیم اقتصادی و سیاسی جهان امروز با رجوع به شمس و مولانا قابل حل است. توضیح این مقال از حوصله یادداشتی سردستی خارج است».

افتتاح کتاب‌خانه استاد موحد

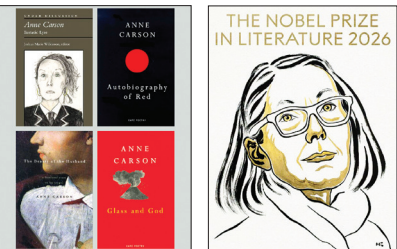
همزمان با گشایش بارگاه شمس تبریزی در خوی، کتاب‌خانه «استاد دکتر محمدعلی موحد»، با حضور سیدرضا صالحی‌امیری؛ وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، رضا رحمانی؛ استاندار آذربایجان‌غربی، آزاد نظر‌بلند؛ دبیرکل نهاد کتاب‌خانه‌های عمومی کشور، جمعی از مسئولان استانی و اهالی فرهنگ و ادب، افتتاح شد. در این کتاب‌خانه که با اعتبار بیش از ۵۰میلیارد ریال و زیربنای ۳۷۰ مترمربع ساخته شده، تاکنون ۱۱ هزار جلد کتاب گردآوری شده است که بیش از ۱۰۰۰ نسخه از این آثار، مرتبط با شمس تبریزی است. این کتاب‌خانه با گردآوری نسخ چاپی، خطی و چاپ سنگی مرتبط با شمس و ارائه خدمات مرتبط با کتاب‌های الکترونیک و گویا، قرار است به یک پایگاه مطالعاتی و فرهنگی در حوزه شمس، مولانا، عرفان ایرانی و میراث فکری مرتبط با این حوزه تبدیل شود.



نویسنده خجالتی

آن کارسون شاعر، جستارنویس و پژوهش گر ادبیات کلاسیک یونان برندهٔ نوبل ادبیات ۲۰۲۶ شد

اشتباه» مجموعه شعری که برای او نامزدی جایزهٔ ملی کتاب در سال ۲۰۲۴ را به ارمغان آورد، یاد کرد. اشعار این مجموعه موضوع‌هایی از جمله پدرش، برف و فرهنگ لغت محلی را در بر می‌گیرد که به گفته کارسون هیچ ارتباطی بین آن‌ها وجود ندارد و به همین دلیل او آن‌ها را «اشتباه» نامیده است. اولین کتاب کارسون، «اروس تلخ و شیرین» (۱۹۹۶)، مفهوم اروس را از یونان باستان تا به امروز دنبال می‌کند. او در این کتاب می‌نویسد: «کلماتی که می‌خوانیم و کلماتی که می‌نویسیم، هرگز دقیقاً منظور ما را نمی‌سانند. افرادی که دوست‌شان داریم هرگز آن‌طور که می‌خواهیم نیستند. این دو



نماد هرگز کاملاً با هم مطابقت ندارند. اروس چیزی بین این دو است». او نزدیک به ۲۰ کتاب شعر، مقاله و ترجمه منتشر کرده است، از جمله «یک اورستیا» (۲۰۱۰) که داستان‌های آگاممنون، الکتر و اورستس را روایت می‌کند. کارسون در سال ۱۹۹۶ جایزهٔ ادبی لانان، در سال ۱۹۹۸ بورسیه گوتنهایم و در سال ۲۰۰۰ بورسیه

آکادمی سوئد پنج‌شنبه، ۸ اکتبر، آن کارسون، شاعر، جستارنویس، مترجم و پژوهش‌گر ادبیات کلاسیک را به‌عنوان برندهٔ نوبل ادبیات ۲۰۲۶ معرفی کرد. آکادمی سوئد دلیل این انتخاب را «آثار جسورانه و خلاقانه‌ای» دانست که در گفت‌وگویی بازی‌گوشانه با سنت کلاسیک، شکل‌های تازه‌ای برای ادبیات معاصر ساخته‌اند. کارسون ۷۶ ساله، نویسنده‌ای است که به‌سادگی در یک قالب ادبی قرار نمی‌گیرد. او که با اسطوره‌ها و واژه‌ها میان دنیای باستان و زندگی امروز پلی می‌زند، نوزدهمین زن برندهٔ نوبل ادبیات و سومین نویسندهٔ متولد کاناداست که پس از ساتول بلو در سال ۱۹۷۶ و آلیس مونرو در سال ۲۰۱۳ به این افتخار رسیده است. این‌گرید کارلبرگ، دبیر دائمی آکادمی سوئد، در جریان کنفرانس خبری برای معرفی برندهٔ این جایزه، روز پنج‌شنبه گفت کمی پیش‌تر با کارسون تماس گرفته و او از شنیدن این خبر «بسیار غافل‌گیر شده» است. او افزود: «تماس کوتاهی بود؛ تنها چیزی که شاعر می‌توانست بگوید این بود که در ایسلند است و به صدای باد گوش می‌دهد». به گفتهٔ نیکول آراگی، نمایندهٔ کارسون، این نویسنده که در آشنی‌خانه‌اش در ریکیاویک، ایسلند، پس از اطلاع از دریافت جایزه غافل‌گیر شده بود، فقط گفت: «وای!»

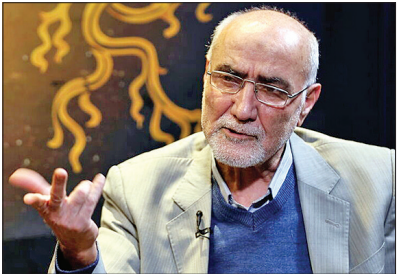
ازجمله آثار کلیدی کارسون که توسط کمیتهٔ نوبل به آن‌ها اشاره شده است، می‌توان به «اروس تلخ و شیرین»، اولین کتاب او در سال ۱۹۸۶ دربارهٔ خدای عشق و «مقاله شیشه‌ای»، شعری بلند از سال ۱۹۹۵ دربارهٔ عشق یک‌طرفه، یاد کرد. این کمیته هم‌چنین از «تورم

گفت‌وگو: سینیمای ایران

کودکان غزه در اسکار

گفت‌وگوی سازندگی با منوچهر محمدی، تهیه‌کننده سرزمین فرشته‌ها

آشفته‌گی، مسئولیت نگهداری از چند کودک بی‌پناه را برعهده می‌گیرد و در واقع نقش مادر آنها را ایفا می‌کند. کارگردان در این فیلم به درون جنگ نمی‌رود و جنگ را از جایی متفاوت و در واقع از وسط زندگی کودکانی که نمی‌دانند خانه‌شان کجاست، آغاز می‌کند. فیلم داستان ضحی، معلم جوانی با بازی سلاف



فواخرچی، بازیگر سرشناس سوری است. در کنار او کودکان عرب و ایرانی، به‌عنوان بازیگر حضور دارند. درواقع فیلم به‌جای استفاده از بازیگران ایرانی، سراغ بازیگران عرب رفته است. سرزمین فرشته‌ها فیلمی متفاوت از سینمای ایران است که سعی دارد با نگاه انسانی به موضوعی از اتفاقات روز جهان بپردازد.

نماینده ایران

با تمام این اوصاف «سرزمین فرشته‌ها» نماینده ایران در اسکار سال ۲۰۲۷ خواهد بود. فیلمی که منوچهر محمدی، تهیه‌کننده باسابقه سینمای ایران پشت آن قرار دارد. محمدی در گفت‌وگو با سازندگی در ارتباط با حضور فیلم سرزمین فرشته‌ها در اسکار بهترین فیلم خارجی، گفت: «فیلم به‌طور رسمی به‌عنوان نماینده ایران در اسکار انتخاب شده است». او درباره این فیلم و ساختار متفاوتش هم گفت: «قاعدتاً سرزمین فرشته‌ها، فیلم متفاوتی از سینمای ایران است. سوژه فیلم کاملاً به‌روز است. فیلم به ماجرای جنگ غزه می‌پردازد و سعی دارد بدون آنکه نگاه سیاسی داشته باشد، از زاویه‌ای کاملاً انسانی به آن بپردازد». تهیه‌کننده این فیلم درباره احتمال موفقیت و دیده‌شدن آن در مراسم اسکار هم افزود: «همانطور که گفتم فیلم به سوژه‌ای به‌روز پرداخته است. موضوع غزه در جهان یک موضوع مهم و جدی است و از این نظر احتمال اینکه فیلم آنجا دیده شده و مورد توجه قرار گیرد، وجود دارد».

مک‌آرتور را دریافت کرد. او هنرمند مقیم دانشگاه نیویورک است و با همکاری همسرش، رابرت کوری، تدریس می‌کند. آن کارسون استاد ادبیات کلاسیک یونان است و ردیای اسطوره‌های یونانی در بسیاری از آثارش دیده می‌شود، اما او صرفاً گذشته را بازگو نمی‌کند؛ او اسطوره، عشق، فقدان، میل و تهایی را به جهان امروز می‌آورد و با فرم‌هایی غیرمعمول بازنویسی می‌کند. آثارش گاهی شبیه شعرند، گاهی جستار، گاهی روایت، و گاهی چیزی میان همه این‌ها. همین بی‌اعتنایی به مرزهای ژانری، یکی از ویژگی‌های مهم جهان ادبی کارسون است. آن کارسون، بیشتر برای ترجمه‌هایش از متون یونان باستان و بازاریابی آن‌ها با لحنی مدرن و بازی‌گوشانه شناخته می‌شود. «زندگی‌نامهٔ سرخ: رمانی به نظم» که سال ۱۹۹۸ منتشر شد، قطعه‌ای از شعر یونانی را به داستان عشق ویران‌گر یک نوجوان دمدمی مزاج تبدیل کرد. «زندگی‌نامه سرخ» با الهام از اسطوره یونانی گریون و هراکلس نوشته شده و در دنیای مدرن اتفاق می‌افتد. به گفته ناشر آمریکایی کتاب «زندگی‌نامهٔ سرخ»، از این کتاب حدود ۱۰۰ هزار نسخه تنها در آمریکا فروخته شده است. «سند سرخ» هم که سال ۲۰۱۳ منتشر شد، به نوعی دنباله کتاب قبلی بود، دربارهٔ یک سفر جاده‌ای. او در این کتاب هشدار می‌دهد: «زندگی کردن پس از پایان اسطوره‌ات، کاری خطرناک است». دیزی فرید، شاعر، در نقدی بر «سند سرخ» در سال ۲۰۱۳ برای نیویورک تایمز نوشت: «بسیاری در شکاف‌های ژانر زحمت می‌کنند، اما کارسون با رویکردی دل‌نشین، دوست‌داشتنی، پیچیده

شرایط خاص

منوچهر محمدی، تهیه‌کننده فیلم سرزمین فرشته‌ها در ادامه درباره شرایط حضور در اسکار گفت: «اسکار معمولاً شرایط خاصی دارد و امسال نیز به‌دلیل اتفاقاتی که رخ داده این شرایط ویزتر هم هست. تا جایی که من اطلاع دارم، بیش از ۹۰ فیلم خارجی در مراسم اسکار امسال حضور دارند و آنطور که شنیدیم حداقل ۱۰ فیلم از آنها آثار شاخصی هستند». با توجه به لیست فیلم‌های خارجی امسال اسکار، به‌نظر می‌رسد سرزمین فرشته‌ها همانقدر که شانس دیده‌شدن دارد، رقبای سختی هم خواهد داشت. محمدی در این ارتباط گفت: «من فیلم‌های خارجی دیگر را هنوز ندیده‌ام، اما فیلم‌هایی که قابلیت و شایستگی حضور در اسکار را پیدا کردند، قطعاً رقبای جدی برای سرزمین فرشته‌ها به‌حساب می‌آیند».

پشتوانه رسانه‌ای

با وجود آنکه «سرزمین فرشته‌ها» به‌عنوان نماینده ایران در اسکار آینده انتخاب شده، اما کمترین میزان محتوای رسانه‌ای و حتی تبلیغاتی درباره فیلم وجود دارد. تهیه‌کننده فیلم هم ضمن تأیید این موضوع گفت: «بله، این نکته کلیدی است که در این سال‌ها که همکاران ما در مراسم اسکار بهترین فیلم خارجی حضور پیدا می‌کردند، همواره پشتیبانی جدی و قدرتمند رسانه‌ای داشتند». البته که نباید ایران بی‌سروصدای فیلم را نیز در این ماجرا نادیده گرفت. محمدی در این رابطه هم گفت: «این قاعده اسکار است که فیلم باید در کشور خودش ولو به شکل محدود اکران شده باشد. در واقع اسکار، فیلم‌هایی را مورد قضاوت قرار می‌دهد که در کشور سازنده، فیلم روی پرده رفته باشد. این برخلاف تمام جشنواره‌های مطرح دیگر مانند کن است که فیلم‌های اکران نشده در آن حضور پیدا می‌کنند». «یکی از نکات خیلی مهم و حائز اهمیت برای حضور در اسکار و مورد توجه قرار گرفتن، این است که فیلم پخش‌کننده خارجی و معتبری داشته باشد». این را منوچهر محمدی در ادامه برنامه‌هایی که یک فیلم برای موفقیت در اسکار می‌تواند داشته باشد، گفت. او همچنین با‌اشاره به اهمیت تبلیغات اضافه کرد: «طبیعتاً باید مجموعه‌ای از فعالیت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی برای فیلم انجام شود. در حال حاضر، مشغول انجام کارهایی هستیم و امیدواریم این برنامه‌هایی که داریم به نتیجه مثبت برسند». او اضافه کرد: «برنامه‌ریزی‌ها برای انجام کارهای تبلیغاتی برای فیلم در حال اقدام است و سعی



سال نهم شماره ۲۳۴۸
شنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۵

گزارش: موسیقی ایران

بازگشت همایونی

کنسرت‌های شجریان بعد از ۴ سال
در شیراز و اصفهان

همایون شجریان، خواننده و موزیسین سرشناس ایرانی، بعد از بیش از چهار سال، بار دیگر در ایران روی صحنه رفت. کنسرت او با نام «هرجا که تویی» و با همراهی گروه سیاوش از روز چهارشنبه ۱۵ مهرماه در شهر شیراز آغاز شد. این کنسرت پس از چهار روز اجرا در شیراز به پایان رسید و همایون شجریان برای ادامه برنامه‌های خود راهی اصفهان شد.

از رایگان به قسطی

همایون شجریان در ابتدای سال ۱۴۰۱ و در سالن وزارت کشور کنسرتش به‌نام «به رنگ صدا» را با همراهی گروه سیاوش به رهبری آرش گورنار برگزار کرده بود و پس از آن دیگر در ایران روی صحنه نرفته بود. او در سال ۱۴۰۴ نیز قصد داشت در اقدامی جالب‌توجه در میدان آزادی تهران کنسرت رایگان برگزار کند. اتفاقی که با وجود استقبال حتی در میان تصمیم‌گیران حکومتی نیز شناسن اجرا پیدا نکرد. او قرار بود ۱۴ شهریورماه سال ۱۴۰۴ برای علاقه‌مندان موسیقی این برنامه را در یکی از بزرگ‌ترین استیج‌های ممکن روی صحنه ببرد، اما این اتفاق به دلیل آنچه ناتوانی در مدیریت جمعیت میلیونی خواننده شد، رخ نداد. با این‌وجود، اتفاق جالب اینجاست که از آن زمان تا امروز یک تفاوت به‌وجود آمده است. علاقه‌مندان به موسیقی همایون شاید نتوانند به‌صورت رایگان تماشای و شنونده موسیقی او باشند، اما براساس اخبار منتشر شده آنها با خرید بلیت قسطی این کنسرت‌ها شانس حضور در سالن را خواهند داشت. قیمت بلیت‌های کنسرت همایون شجریان در اجراهای شیراز از مبلغ ۸۰۰هزار تومان تا دو میلیون تومان بوده است.

از شیراز تا اصفهان



بازگشت همایون شجریان به صحنه ایران پس از چهار سال، با استقبال مخاطبان در شیراز همراه شد. او پیش از آغاز اجراها از علاقه و همراهی مخاطبان قدردانی کرده بود و از اصفهان به‌عنوان مقصد بعدی این مجموعه کنسرت‌ها نام برده

بود. حالا با پایان اجراهای شیراز، ادامه این برنامه در اصفهان قرار است فصل تازه‌ای از بازگشت او به صحنه داخلی را رقم بزند. شجریان در این مجموعه با گروه سیاوش روی صحنه رفت؛ گروهی که در آخرین کنسرت داخلی او نیز حضور داشت. آزاد میرزاپور با عود، حسین رضایی‌نیا با دف، مهیار طریحی با سنتور، رامدان توکلی با تار، مهرزاد اعظمی‌کیا با کامنچه و مرتضی مومنیان با تنبک، نوازندگان این گروه هستند. شجریان پیش از آغاز اجراها از تمرین با این گروه برای آماده‌سازی کنسرت خبر داده بود. همایون شجریان که فعالیت حرفه‌ای خود را از سال‌های نوجوانی در کنار پدرش، محمدرضا شجریان آغاز کرد، در طول سال‌های فعالیت خود به یکی از چهره‌های شناخته‌شده موسیقی ایرانی تبدیل شده است. او ابتدا پدرش را در کنسرت‌ها با تنبک همراهی می‌کرد و پس از آن به‌عنوان هم‌خوان در کنار او روی صحنه رفت. انتشار آلبوم «نسیم وصل» در سال ۱۳۸۲ آغاز فعالیت مستقل او در مقام خواننده بود و در ادامه آثاری چون «اشوق دوست»، «ناشنکبا» و «نقش خیال» به کارنامه‌اش اضافه شدند. او در سال‌های بعد نیز با تجربه در گونه‌های مختلف موسیقی، همکاری با آهنگسازان و حضور در پروژه‌های متفاوت، مسیر هنری مستقلی را ادامه داد.

کنسرتی با نام «هرجا که تویی»

عنوان این مجموعه کنسرت‌ها به پوشی اجتماعی با همین نام نیز اشاره دارد؛ طرحی که با هدف کاهش فاصله آموزشی میان دانش‌آموزان مناطق مختلف ایران شکل گرفته است. این پوشش تلاش می‌کند با فراهم کردن لپ‌تاپ و دسترسی به آموزش دیجیتال، فرصت‌های یادگیری بیشتری در اختیار دانش‌آموزان مستعد کم‌خوردار قرار دهد. همایون شجریان پیش‌تر با اهدای لپ‌تاپ شخصی خود به این پوشش پیوست و قطعه «تراود مهتاب» را نیز پس از حدود ۲۸سال دوباره منتشر کرد و به این طرح اختصاص داد. بخشی از عواید کنسرت‌های «هرجا که تویی» نیز برای تأمین لپ‌تاپ دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است. هدف این پوش در برنامه یک‌ساله، تأمین هزار دستگاه لپ‌تاپ است؛ تجهیزاتی که قرار است در کنار آموزش دیجیتال و برنامه‌های منتورینگ، به ایجاد فرصت‌های آموزشی بیشتر برای نوجوانان کمک کنند. نخستین شب کنسرت شیراز نیز با یاد کودکان میناب همراه بود. شجریان پیش از آغاز اجرا از جان‌باختن هم‌میهنان بی‌گناه، به‌ویژه کودکان میناب، سخن گفت و تأکید کرد که از دست رفتن کودکانی که هنوز در آغاز زندگی و سرشار از آرزو هستند، قلب او و بسیاری دیگر را به درد می‌آورد. او همچنین یاد مادر فقیدش را گرامی داشت.

در روزگار گرانی

موضوع قیمت بلیت کنسرت همایون شجریان در شرایطی مورد توجه قرار می‌گیرد که افزایش هزینه‌های معیشت، امکان حضور در رویدادهای فرهنگی را برای بخشی از جامعه دشوار کرده است. در ماه‌های گذشته، فعالان حوزه موسیقی نسبت به افزایش قیمت بلیت‌ها و احتمال حذف تدریجی کنسرت از سبد فرهنگی خانوار هشدار داده‌اند. هزینه‌های برگزاری اجرا، از اجاره سالن تا دستمزد عوامل و هزینه‌های فنی نیز از جمله دلایلی است که تهیه‌کنندگان برای افزایش قیمت‌ها مطرح می‌کنند. در نیمه نخست امسال، بابک رضایی، مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در جلساتی بر ضرورت کنترل قیمت بلیت‌ها تأکید کرده بود. در مقابل، برخی تهیه‌کنندگان موسیقی معتقد بودند که کاهش هزینه‌های سالن‌های کنسرت، به‌ویژه سالن‌های دولتی، می‌تواند راهی برای جلوگیری از افزایش بیشتر قیمت‌ها باشد. با این‌حال، خرید اعتباری و قسطی بلیت در برخی رویدادهای فرهنگی به‌عنوان راهی برای آسان‌تر کردن دسترسی مخاطبان مطرح شده است. بازگشت همایون شجریان به صحنه ایران، در کنار استقبال مخاطبان و ادامه برنامه‌های او در اصفهان، بار دیگر مسئله دسترسی به موسیقی زنده را نیز به میان آورده است. سال گذشته قرار بود کنسرت رایگان میدان آزادی امکان حضور گسترده مردم را فراهم کند، اما آن برنامه به اجرا نرسید. اکنون مخاطبان برای شنیدن صدای این خواننده باید بلیت تهیه کنند؛ هرچند امکان خرید اعتباری، برای برخی از علاقه‌مندان راهی تازه برای حضور در سالن فراهم می‌کند. فاصله میان کنسرت رایگان و بلیت قسطی، بیش از هر چیز نشان می‌دهد که در کنار اشتیاق مردم به موسیقی، شرایط اقتصادی نیز به یکی از عوامل تعیین‌کننده در دسترسی به اجراهای زنده تبدیل شده است.

مصاحبه تلفنی گفت این دو نفر وقتی در ریکایوک، پایتخت این کشور بودند، وقت خود را صرف شرکت در نمایش‌های هنری و ادبی زیرزمینی، حمایت از هنرمندان و وقت گذراندن با آن‌ها در مکان‌های عمومی شهر می‌کردند. این هنرمند افزود: «کارسون برای صحنه فرهنگی این‌جا خیلی مهم است. یک نیروی قوی است و همه واقعاً خوشحالتد».

نویسنده خجالتی

آن کارسون در سال ۱۹۵۰ در تورنتو متولد شد و خانواده‌اش به دلیل شغل پدرش که بانک‌دار بود، چندین‌بار در کانادا نقل مکان کردند. آن از دبیرستان به زبان و متون یونان باستان علاقه‌مند شد و بعدها در دانشگاه تورنتو تحصیل کرد و هم‌زمان با پیشرفت حرفه نویسندگی‌اش، به‌عنوان مدرس ادبیات کلاسیک در کالج‌های کانادا، از جمله دانشگاه کلگری و دانشگاه مک‌گیل، مشغول کار شد. او در کالج‌های آمریکا، از جمله دانشگاه کرنل و دانشگاه نیویورک، هم کار کرده است. کارسون کمتر چهره عمومی دارد و روی جلد کتاب‌های او به‌ندرت عکس نویسنده جای می‌گیرد و گاهی حتی بیوگرافی نویسنده را هم ندارد. او به‌ندرت در مصاحبه‌ها درباره زندگی خصوصی خود صحبت کرده، گرچه سال ۲۰۲۴ در گفت‌وگویی گفت به بیماری پارکینسون مبتلاست و دست‌خطش «از هم پاشیده» است. کارسون افزود: «من قبلاً از نوشتن در دفترچه‌ها، قفسه کردن آن‌ها، روز به روز، سال به سال لذت می‌بردم. حالا خطوط عمودی خم می‌شوند یا می‌شکنند یا به همه جهات می‌روند، مصوت‌ها به حباب تبدیل می‌شوند، شیب حروف زاویه هوشمند و صاف خود را از دست می‌دهد، همه این‌ها شرم‌آور به نظر می‌رسد. من تمام پاراگراف‌ها را از شرم پاک می‌کنم».

دکلان اسپرینگ، ویراستار کارسون در انتشارات نیو دایرکشنز، ناشر آمریکایی او، گفت که سعی کرده با کارسون تماس بگیرد تا دریافت جایزه نوبل را به او تبریک بگوید، اما تلفنش خاموش بود. اسپرینگ گفت: «او واقعاً خجالتی است».



طبیعتاً آنها برای زمان اکران تصمیم می‌گیرند». این تهیه‌کننده که فیلم‌هایی چون «ارتفاع پست»، «مارمولک»، «میم مثل مادر»، «حوض نقاشی» را در کارنامه دارد، در ادامه با اشاره به سرمایه ساخت فیلم «سرزمین فرشته‌ها» هم گفت: «فیلم با متر و معیار فیلم‌هایی که در اسکار حضور دارند و رقبای سرزمین فرشته‌ها هستند، یک فیلم کم‌هزینه است. اما واقعیت این است که کاری که انجام شد و بازسازی غزه در ایران به شکل باورپذیر نیز آسان و کم‌هزینه نبود. هرچند به نظر من با تمام اینها سرزمین فرشته‌ها یک فیلم با بودجه نرمال است». در فیلم سرزمین فرشته‌ها که بابک خواجه‌پاشا آن را کارگردانی کرده، سلاف باورخارجی بازیگر سرشناس دنیای عرب و یا شاید یکی از مشهورترین آنها بازی کرده است. فیلم در جشنوار فیلم فجر، پنج جایزه از جمله سیم‌ع بلورین بهترین فیلم را دریافت کرد.



کرده بودند، زیرا از زمان ماریو بارگاس یوسا از پرو در سال ۲۰۱۰، هیچ نویسنده‌ای برنده این جایزه نشده است.

جایزه نوبل برای کارسون واکنش‌های شادی‌آوری را از سوی شاعران دیگر، نویسندگان کلاسیک و حتی مارک کارنی، نخست‌وزیر کانادا، به همراه داشت.

نیکول آراگی، نماینده کارسون، در بیانیه‌ای ایمیلی گفت: «آن کارسون به‌عنوان یک کلاسیک‌دان، شاعر و اجراکننده، نشان داده است که چگونه با اسرار و پوچی‌های زبان و ویژگی‌های ابدی داستان‌های خاص، ما را در زمان حال تسخیر می‌کند. او نویسنده‌ای از آتش‌های بزرگ «عشق، خشم، اندوه» و همچنین نویسنده‌ای از زندگی روزمره است. او یک دم سرگرم می‌کند و دمی دیگر همه را خرد می‌کند».

کلودیا رنکین، شاعر، در مصاحبه‌ای گفت که از دریافت جایزه نوبل توسط کارسون «بسیار خوشحال» است و افزود، دانشجویانش در برنامه نویسندگی خلاق در دانشگاه نیویورک نیز از دریافت این جایزه خوشحال خواهند شد، زیرا آن‌ها به تازگی برخی از آثار کارسون را مطالعه کرده‌اند. رنکین گفت: «هیچ ترمی نیست که من نوشته‌های او را درس ندهم. او کسی است که در ۳۰سال گذشته تخیل را در مورد نویسندگی و شعر آزاد کرده است». در سال‌های اخیر، کارسون و همسر هنرمندش رابرت کوری، وقت خود را بین کانادا، میشیگان، و ایسلند تقسیم کرده‌اند. راگنار کیارتانسون، یکی از محبوب‌ترین هنرمندان معاصر ایسلند، در یک



فیلم در این زمینه مطرح شود. اعضای آکادمی اسکار نزدیک به ۳هزار نفر هستند که باید درباره فیلم‌ها رأی بدهند. برای اینکه فیلم بتواند بیشتر مورد توجه داوران قرار گیرد، نیاز به انجام مجموعه کارهایی‌ست که امیدواریم بتوانیم انجام‌دهیم». او با بیان اینکه برنامه‌هایی برای مطرح کردن هرچه بیشتر فیلم دارند، گفت: «هنوز چیزی شروع نشده و زمان کافی تا ژانویه و مراسم اسکار وجود دارد. امیدواریم شرایط تبلیغ برای فیلم در آنجا میسر شود. هرچند هزینه کردن در آمریکا و با متر و معیارهای آنجا و قیمت دلار برای ما بسیار سنگین است. با این‌وجود، ما وظیفه‌مان را تا جایی که امکانش باشد، انجام می‌دهیم تا فیلم به موفقیت برسد و دیده شود». او درباره اکران فیلم به شکل گسترده در ایران هم افزود: «برای این هم برنامه داریم، هرچند پخش فیلم در اختیار مؤسسه بهمن سبز است و

وی خیال، شاید بیشترین و بهترین کار را در دو دهه گذشته انجام داده باشد تا مردم را از نگرانی زیاد برای این‌که چه چیزی شعر است و چه چیزی نیست، بازدارد».

از این نویسنده در ایران تاکنون تنها کتاب «چگونه شعر نخوانیم» با ترجمه سعید امیری و توسط انتشارات انیما منتشر شده و گویا ترجمه قاسم نجاری از «زندگی‌نامه سرخ» او هم در دست انتشار است. البته پس از جایزه نوبل در ماه‌های آینده احتمالاً مترجمان و ناشران بسیاری سراغ آثار او خواهند رفت و احتمالاً بر سر انتشار زودتر آثارش رقابتی در پیش باشد.

استقبال از نوبل کارسون

با توجه به سعی آکادمی سوئد در حفظ تعادل جنسیتی و منطقه‌ای، امسال احتمال بیشتری می‌رفت که یک نویسنده زن غیراروپایی برنده این جایزه باشد. در طول ۹ سال گذشته، نوبل ادبیات به‌طور متناوب بین برندگان مرد و زن، از کازوئو ایشیگورو در سال ۲۰۱۷ و اولگا توکارچوک در سال ۲۰۱۸ گرفته تا هان کانگ در سال ۲۰۲۴ و لازلو کراسناهورکایی در سال ۲۰۲۵، چرخیده است. از این‌رو با توجه به این الگو انتظار می‌رفت امسال یک نویسنده زن انتخاب محتمل‌تری باشد. با توجه به این‌که برنده سال پیش، کراسناهورکای از مجارستان موفق به کسب این جایزه شد، برخی ناظران انتظار داشتند که این جایزه امسال به خارج از اروپا برسد. در این میان نویسندگان آمریکای لاتین توجه ویژه‌ای را به خود جلب



داریم در این زمینه به بهترین شکل عمل کنیم. اما این واقعیت را هم باید بپذیریم که فیلم زیر سایه مسائل اخیر بین کشور ما و آمریکا، برای مراسم اسکار به این کشور می‌رود و چه بخواهیم و چه نخواهیم، از این موضوع متأثر خواهد بود».

مسئله جهانی

فیلم سرزمین فرشته‌ها، اولین فیلم ایرانی با موضوعی غیرایرانی است که به مراسم اسکار می‌رود. منوچهر محمدی در ادامه درباره موضوع انتخابی فیلم که کودکان غزه هستند، گفت: «موضوع غزه، یک مسئله جهانی است. موضوع فیلم نیز کاملاً در همین راستاست. سرزمین فرشته‌ها یک فیلم کاملاً غیرسیاسی درباره کودکان غزه است که می‌تواند در بستر جهانی نیز مورد توجه قرار گیرد. باید بتوانیم فعالیت‌هایی انجام دهیم که

شناسه آگهی: ۲۲۹۶۸۹۴۴ نوبت اول

آگهی مزایده عمومی دو نوبته

سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری قزوین در نظر دارد مطابق ماده ۳۰ آئین نامه معاملات شهرداری پایتخت، نسبت به **اجاره یک باب مغازه با بهره برداری امور فرهنگی و مذهبی به مساحت تقریبی ۲۷ مترمربع (واقع در خیابان سلامگاه)** از طریق مزایده عمومی در یک مرحله و یک نوبت به متقاضیان واجد شرایط اقدام نماید. لذا متقاضیان می‌توانند پس از تاریخ انتشار آگهی حداکثر تا ساعت ۱۸:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۶ جهت دریافت و تکمیل اسناد مزایده به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی: www.SETADIRAN.IR مراجعه نمایند.

ردیف	مورد مزایده	شماره مزایده	مبلغ سپرده شرکت در مزایده	نوع سپرده
۱	اجاره یک باب مغازه با بهره برداری امور فرهنگی و مذهبی به مساحت تقریبی ۲۷ مترمربع (واقع در خیابان سلامگاه)	۵۰۰۵۰۹۳۹۲۹۰۰۰۰۵	۵۲/۲۰۰/۰۰۰ ریال	فیش واریزی یا ضمانت نامه بانکی

• هزینه درج آگهی و کارشناسی بر عهده برنده مزایده می باشد.
آدرس: قزوین، خیابان بوعلی سینا، تقاطع نواب(اهنمایی و رانندگی)، سازمان پارکهاوفضای سبز شهرداری قزوین
کد پستی: ۳۴۱۳۹-۴۳۱۹۷ تلفن: ۰۲۸-۳۳۲۲۷۰۰۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۱۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۲۱

علیرضا منجم — سرپرست سازمان

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

بقای کوچک

تحریم چگونه رشد بنگاه‌های کوچک ایران را متوقف می‌کند؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد ایران با تناقضی دشوار مواجه شده‌اند. از یک‌سو به دلیل انعطاف‌پذیری، هزینه‌های اداری کمتر و توانایی سازگاری با شرایط متغیر، انتظار می‌رود در دوران بحران تاب‌آوری بیشتری داشته باشند. از سوی دیگر همین بنگاه‌ها به دلیل محدودیت منابع مالی، وابستگی به شبکه‌های تأمین و ناتوانی در انتقال هزینه‌ها به مشتریان بیش از بسیاری از شرکت‌های بزرگ در معرض آسیب قرار دارند. تحریم‌های اقتصادی این تناقض را تشدید کرده‌اند. بسیاری از بنگاه‌های کوچک همچنان فعالیت می‌کنند اما توان توسعه، سرمایه‌گذاری و افزایش فروش خود را از دست داده‌اند. پرسش این است که چگونه تحریم مسیر رشد بنگاه کوچک را مسدود می‌کند؟

نخستین کانال اثرگذاری تحریم، محدود شدن دسترسی به منابع مالی است. بنگاه کوچک معمولاً ذخایر نقدی محدودی دارد و برای خرید مواد اولیه، پرداخت دستمزد و تأمین سرمایه در گردش به جریان مستمر درآمد و اعتبار وابسته است. هنگامی که تحریم، نقل‌وانتقال پول را دشوار می‌کند و نااطمینانی اقتصادی افزایش می‌یابد، تأمین مالی نیز پرهزینه‌تر می‌شود. بانک‌ها در اعطای تسهیلات محتاط‌تر می‌شوند و بنگاه‌هایی که وثیقه کافی ندارند بیشتر تحت‌فشار قرار می‌گیرند. در چنین شرایطی مدیر بنگاه ناچار است میان حفظ تولید جاری و سرمایه‌گذاری برای توسعه یکی را انتخاب کند. معمولاً انتخاب نخست، ادامه فعالیت روزمره است. دومین کانال، اختلال در دسترسی به فناوری و نهادهای تولید است. بسیاری از بنگاه‌های ایرانی حتی اگر محصول نهایی آنها داخلی باشد برای تولید به ماشین‌آلات، قطعات، تجهیزات یا مواد اولیه وارداتی نیاز دارند. تحریم نه تنها واردات مستقیم را دشوار می‌کند بلکه با افزایش هزینه واسطه‌گری، حمل‌ونقل و پرداخت‌های بین‌المللی، قیمت تمام‌شده تولید را بالا می‌برد. بنگاه‌های بزرگ ممکن است با استفاده از منابع مالی گسترده‌تر، شبکه‌های تجاری جایگزین یا موجودی انبار بیشتر، بخشی از این فشار را تحمل کنند اما بنگاه کوچک چنین امکاناتی ندارد. نتیجه آن است که تولیدکننده به‌تدریج از فناوری روز فاصله می‌گیرد و بهره‌وری او کاهش می‌یابد. سومی‌ن مسئله، محدود شدن بازار فروش است. تحریم از یک‌سو دسترسی به بازارهای خارجی را دشوار می‌کند و از سوی دیگر با تشدید تورم و کاهش قدرت خرید خانوارها، تقاضای داخلی را تحت‌فشار قرار می‌دهد. بنگاه کوچک در چنین وضعیتی با افزایش هزینه و محدودیت فروش به‌طور همزمان روبه‌رو می‌شود. اگر قیمت محصولاتش را افزایش دهد ممکن است، مشتریان خود را از دست بدهد و اگر قیمت‌ها را ثابت نگه دارد، حاشیه سودش کاهش می‌یابد. این وضعیت توان بنگاه برای استخدام نیروی جدید، توسعه ظرفیت تولید و ورود به بازارهای تازه را محدود می‌کند. باین حال همه بنگاه‌های کوچک به یک اندازه آسیب نمی‌بینند. تفاوت اصلی در توانایی سازگاری آنهاست. بنگاه‌هایی که به منابع مالی متنوع‌تری دسترسی دارند از فناوری مناسب استفاده می‌کنند و مدیران آنها از مهارت و آموزش بیشتری برخوردارند معمولاً ظرفیت بالاتری برای عبور از محدودیت‌ها دارند. دسترسی به فناوری می‌تواند هزینه تولید را کاهش دهد، مدیریت بهتر می‌تواند، استفاده از منابع محدود را بهینه کند و تأمین مالی مناسب می‌تواند، مانع توقف فعالیت در دوره‌های کمبود نقدینگی شود. بنابراین شدت تحریم تنها عامل تعیین‌کننده سرنوشت بنگاه نیست؛ کیفیت مدیریت و امکانات در دسترس نیز اهمیت دارد. نکته مهم این است که دوام آوردن در نباید با موفقیت اشتباه گرفت. ممکن است بنگاهی سال‌ها در شرایط تحریم فعالیت کند اما تعداد کارکنانش افزایش نیابد، تجهیزاتش نوسازی نشود و سهمش از بازار کاهش پیدا کند. چنین بنگاهی از نظر آماری همچنان فعال است اما از نظر اقتصادی بخشی از ظرفیت رشد خود را از دست داده است. تداوم این وضعیت می‌تواند به شکل‌گیری اقتصادی منجر شود که در آن تعداد زیادی بنگاه کوچک وجود دارند اما تعداد کمی از آنها به شرکت‌های متوسط و بزرگ تبدیل می‌شوند. این مسئله پیامدهای گسترده‌تری برای اقتصاد ایران دارد. بنگاه‌های کوچک یکی از مسیرهای اصلی ایجاد اشتغال، ورود کارآفرینان تازه و گسترش رقابت هستند. هنگامی که این بنگاه‌ها امکان رشد ندارند، فرصت‌های شغلی جدید محدود می‌شود، نوآوری کاهش می‌یابد و تمرکز فعالیت اقتصادی در دست بنگاه‌هایی افزایش پیدا می‌کند که دسترسی بهتری به اعتبار، ارز و شبکه‌های تجاری دارند. به این ترتیب تحریم می‌تواند علاوه بر کاهش تولید، ساختار رقابت را نیز تغییر دهد. از منظر سیاست‌گذاری، حمایت از بنگاه‌های کوچک نباید صرفاً به توزیع تسهیلات ارزان یا کمک‌های مقطعی محدود شود. کاهش بی‌ثباتی اقتصاد کلان، تسهیل دسترسی به سرمایه در گردش، بهبود زیرساخت‌های فناوری، آموزش مدیریتی و کاهش موانع اداری می‌توانند، توان سازگاری بنگاه‌ها را افزایش دهند. البته این اقدامات جایگزین رفع محدودیت‌های خارجی نیستند؛ تنها می‌توانند بخشی از آسیب‌های آن را کاهش دهند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

مرد صنعت

محسن خلیلی عراقی، از کارآفرینان ملی و از پیشگامان تشکل گرایی درگذشت

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

محسن خلیلی عراقی، از بنیان‌گذاران بوتان و پیشکسوتان صنعت ایران، درگذشت. صنعتگری که زندگی طولانی‌اش با گسترش مصرف گاز مایع، تولید وسایل گازسوز و شکل‌گیری تشکل‌های صنعتی پیوند خورده بود. خبر درگذشت او را محسن جلال‌پور در حالی منتشر کرد که ۹۷ سال از تولدش می‌گذشت و بیش از ۷ دهه از ورودش به فعالیت صنعتی گذشته بود.

محسن جلال‌پور نوشت: خلیلی از نسلی بود که صنعت را مسیری برای آبادانی کشور می‌دانست و تأکیدش بر این موضوع بود که ساختن یک کارخانه، تنها آغاز راه است و هنر بزرگ‌تر، زنده نگه‌داشتن آن در روزگار دشوار و سپردنش به نسل‌های بعد است.

مسعود نیلی در یادداشتی که در کانال شخصی‌اش منتشر کرد از خلیلی به‌عنوان انسانی یاد کرد که تجربه عملی صنعت، اندیشه‌ورزی و دغدغه توسعه ایران را در کنار یکدیگر داشت. زندگی خلیلی نیز همین مسیر را نشان می‌دهد. جوانی که در کنار پدر وارد صنعت شد، مسئولیت بنگاهی خانوادگی را پذیرفت و به‌تدریج بخش بزرگی از عمر خود را صرف سازمان‌دهی صنعتگران و پشتیبانی از پژوهش‌های توسعه کرد. محسن خلیلی در پنجم تیر ۱۳۰۸ در تهران به دنیا آمد. سومین فرزند خانواده‌ای بود که ۹ فرزند داشت و کار و زندگی آن با فعالیت‌های فنی محمود خلیلی، پدر خانواده، گره خورده بود. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ۱۵ بهمن آغاز کرد، دوره نخست متوسطه را در مدرسه شاهپور تشریش گذراند سپس در دبیرستان‌های ایران‌شهر و البرز درس خواند. در سال ۱۳۲۸ وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۳۲ در رشته الکترومکانیک فارغ‌التحصیل شد. این چهار سال دوره‌ای تعیین‌کننده در تاریخ کشور بود؛ سال‌هایی که جنبش ملی شدن صنعت نفت، دانشگاه و جامعه را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار داده بود. پدرش نخست معلم بود سپس به تعمیر ماشین‌آلات و فعالیت‌های الکترومکانیکی روی آورد. محمود خلیلی در برق‌رسانی تهران، راه‌اندازی تأسیسات برق و توسعه فعالیت‌های حفاری و تأمین آب نقش داشت. محسن در چنین محیطی بزرگ شد. محیطی که در آن ابزار، دستگاه و حل مسئله بخشی از زندگی روزمره بود. تجربه پدر، نمونه‌ای نزدیک از تبدیل دانش فنی به کار عملی پیش روی او قرار می‌داد. محمود خلیلی در سفرهای خارجی با کاربرد گاز در خانه‌ها آشنا شده بود و در سفر به خوزستان نیز متوجه شد بخشی از گاز حاصل از فعالیت‌های نفتی سوزانده می‌شود. همین مشاهده، زمینه ورود خانواده به فعالیتی تازه را فراهم کرد.

محسن در دانشگاه به عضویت انجمن اسلامی دانشجویان درآمد. او بعدها در خاطراتش، کودتای ۲۸ مرداد را از تجربه‌های اثرگذار زندگی خود توصیف کرد. به روایت خودش، آن روز در کوی دانشگاه امیرآباد بود و پس از شنیدن صدای آشوب، به سوی خانه محمد مصدق رفت و با صحنه غارت خانه روبه‌رو شد. این واقعه برای او پرسشی ماندگار درباره رابطه سیاست، فرهنگ و رفتار اجتماعی ایجاد کرد. در معرفی زندگی‌اش در وب‌سایت بنیاد خلیلی آمده است که پس از این تجربه، صنعتی کردن کشور و کارآفرینی همراه با آموزش و توسعه فرهنگی را مسیر فعالیت خود قرار داد. سیاست در زندگی او حضور داشت اما انتخاب حرفه‌ای‌اش به سوی مهندسی و تولید رفت. پس از پایان دانشگاه امکان روایت منتشرشده در مجله مسئولیت اجتماعی، حتی برای تحصیل در فرانسه پذیرش گرفته بود؛ باین حال، پیشنهاد پدر مسیرش را تغییر داد. محمود خلیلی از او خواست در اجرای طرح استفاده از گاز مایع همکاری کند و محسن پذیرفت. این تصمیم، آغاز رابطه‌ای حرفه‌ای میان پدر و پسر شد که یکی تجربه کار صنعتی داشت و دیگری با آموزش دانشگاهی وارد میدان می‌شد. برای جوانی در آغاز راه، انتخاب دشواری بود: ادامه تحصیل یا پذیرش مسئولیت طرحی که هنوز تجهیزات، دانش عملی و بازار گسترده‌ای در ایران نداشت.

شرکت بوتان در مرداد ۱۳۳۲ به دست محمود و محسن خلیلی تأسیس شد. هدف اولیه آن، توزیع گاز مایع در ایران بود. این فعالیت در زمانی آغاز شد که استفاده خانگی از چنین سوختی هنوز فراگیر نشده بود و بسیاری از خانواده‌ها

برای پخت‌وپز و گرم کردن خانه از نفت، هیزم و زغال استفاده می‌کردند. بنابراین تأسیس شرکت به‌تنهایی کافی نبود؛ باید سوخت تأمین می‌شد، به محل مصرف می‌رسید و مردم نیز با شیوه استفاده از آن آشنا می‌شدند. بوتان از ابتدا با مسئله‌ای روبه‌رو بود که هم جنبه صنعتی داشت و هم به عادت‌های زندگی مردم مربوط می‌شد. پدر و پسر برای آموختن شیوه‌های کار به فرانسه، آلمان و آمریکا سفر کردند. در اروپا با تولید سیلندر، تجهیزات و وسایل گازسوز آشنا شدند سپس برای بررسی مراحل برداشت، حمل و ذخیره‌سازی گاز مایع به آمریکا رفتند. محسن بعدها از سفری چندماهه گفت که طی آن منابع فنی را جمع‌آوری کردند و تجهیزات اولیه سفارش دادند. پس از بازگشت، تأسیسات تپه‌سفید راه‌اندازی شد و گاز مایع از پالایشگاه آبادان تأمین می‌شد. این سفرها بخش عملی آموزش او بود؛ تجربه‌ای که مهندس جوان را با مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از تولید، ایمنی، حمل‌ونقل و مصرف آشنا کرد. گسترش فعالیت بوتان، محسن خلیلی را به تولید وسایل گازسوز رساند. در تاریخچه رسمی گروه صنعتی بوتان، تولید اجاق گاز در سال ۱۳۳۵، بخاری گازی در سال ۱۳۳۸، آبرگرمکن ایستاده در سال ۱۳۴۳ و سیلندر گاز مایع در سال ۱۳۴۵ ثبت شده است. این مراحل نشان می‌دهد، فعالیت خانواده خلیلی چگونه از توزیع سوخت به ساخت تجهیزات موردنیاز مصرف آن توسعه یافت. هر محصول تازه، استفاده از گاز را برای گروه بیشتری از خانواده‌ها ممکن می‌کرد و در عین حال به دانش فنی، نیروی کار و سازمان تولید تازه‌ای نیاز داشت. محسن در این دوره، تجربه اداره فعالیتی رو به گسترش را به‌دست آورد. در سال‌های بعد، اجاق پیک‌نیک‌ی نیز به محصولات بوتان اضافه شد؛ وسیله‌ای که برای بسیاری از ایرانیان با سفر و گردش پیوند خورد. تاریخچه شرکت، تولید آن را در سال ۱۳۵۳ ثبت کرده است. بوتان همچنین شبکه خدمات مشتریان خود را توسعه داد و بعدها وارد تولید آبرگرمکن دیواری و تجهیزات گرمایشی تازه شد. این تحولات حاصل کار مجموعه‌ای از اعضای خانواده، مدیران، مهندسان و کارگران بود. زندگی حرفه‌ای محسن خلیلی در دل همین همکاری شکل گرفت؛ بنگاهی خانوادگی که با افزایش مقیاس فعالیت به تقسیم مسئولیت و توسعه توان مدیریتی نیاز پیدا می‌کرد. انقلاب ۱۳۵۷ دوره دشواری در زندگی او گشود. اعتصاب‌ها، اختلال در درآمد شرکت و مناقشه بر سر مالکیت صنایع، ادامه فعالیت را با مشکلات فراوان مواجه کرد. خلیلی در خاطراتی که تجارت‌فردا نقل کرده، گفته است برای پرداخت حقوق کارکنان، خانه‌های متعلق به شرکا را فروختند. او همچنین از احضارهای مکرر و پرونده‌های طولانی قضایی درباره بوتان یاد کرده است. این روایت‌ها بخش مهمی از تجربه شخصی او در سال‌های پس از انقلاب را تشکیل می‌دهند. اداره کارخانه در آن دوره علاوه بر تولید و فروش، مستلزم پیگیری حقوقی، مذاکره و تلاش برای حفظ رابطه با کارکنان بود.



در همان سال‌ها، فعالیت تشکلی جای بیشتری در زندگی خلیلی پیدا کرد. او پیش از انقلاب در تشکل‌های مرتبط با گاز مایع و لوازم خانگی حضور داشت و پس از انقلاب، در سال ۱۳۵۹ به جمع بنیان‌گذاران انجمن مدیران صنایع پیوست. از سال ۱۳۶۰ ریاست هیأت‌مدیره آن را برعهده گرفت. همچنین در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۶۲ نامیده کارفرمایان در شورای عالی کار بود. این مسئولیت‌ها دامنه فعالیت او را از بنگاه شخصی فراتر برد و با مسائل مشترک تولیدکنندگان، مناسبات کار و سیاستگذاری صنعتی پیوند داد. خلیلی در انجمن مدیران صنایع، همکاری با کارشناسان اقتصادی و صنعتی را دنبال کرد. به روایت آسو، از متخصصان برای تهیه بررسی‌ها و برنامه‌های توسعه کمک گرفت و نتایج این کارها را در اختیار نهادهای تصمیم‌گیر گذاشت. او سپس برای گرد آوردن تشکل‌های صنعتی در مجموعه‌ای مشترک تلاش کرد؛ مسیری که در مهر ۱۳۸۰ به آغاز فعالیت رسمی کنفدراسیون صنعت ایران انجامید. این بخش از کارنامه‌اش، تلاشی مستمر برای ایجاد ارتباط میان تجربه صنعتگران و دانش کارشناسان بود. در نگاه او، مشکلات مشترک صنعت به‌گفت‌وگو و همکاری سازمان‌یافته نیاز داشت. حضور در اتاق‌های بازرگانی ایران و تهران، اتاق‌های مشترک و نهادهای کارفرمایی نیز از فعالیت‌های او بود. در کنار این مسئولیت‌ها در امور اجتماعی مشارکت داشت. وب‌سایت رسمی محک نام محسن خلیلی را در میان اعضای پیشین هیأت‌امانی این موسسه ثبت کرده و آغاز عضویت او را سال ۱۳۷۰ دانسته است. این سابقه، وجه دیگری از زندگی او را نشان می‌دهد: مشارکت در نهادی که موضوع فعالیتش حمایت از کودکان مبتلا به سرطان بود. دامنه مسئولیت‌های خلیلی به‌تدریج از صنعت و تجارت به فعالیت‌های مدنی و حمایتی گسترش یافت. در سال‌های سالمندی، بنیاد توسعه صنعتی محسن خلیلی شکل گرفت. او در نوشته‌ای درباره تأسیس بنیاد توضیح داد که پس از حدود ۷۰ سال فعالیت، مسئله اثباتش تجربه و دانش را برای توسعه ایران اساسی می‌داند. بنیاد برای حمایت از پژوهش‌های کاربردی، تشکل‌های صنعتی و محققان طراحی شد. خلیلی تأکید داشت مطالعات ارزشمند باید شناخته شوند و به تصمیم‌گیری راه پیدا کنند. این اقدام، ادامه همان مسیری بود که از فعالیت تشکلی آغاز کرده بود: ایجاد نهادی که تجربه‌ها را حفظ کند و همکاری میان صنعت و پژوهش را دوام دهد. زندگی طولانی او با تقدیرهای متعدد همراه شد. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در نوزدهم آذر ۱۳۹۱ برایش بزرگداشت برگزار کرد و او را از مفاخر ایران معرفی کرد. با درگذشت خلیلی، کارنامه مردی پایان یافت که از دانشکده فنی و همکاری با پدر به ساخت بنگاه، اداره بحران‌ها و تأسیس نهادهای صنعتی رسید. نامش در تاریخ بوتان باقی می‌ماند اما زندگی‌نامه‌اش در کارخانه خلاصه نمی‌شود؛ تشکل‌ها و بنیاد پژوهشی او نیز بخش‌هایی از همان عمر طولانی‌اند که صرف پیگیری صنعتی شدن ایران شد.



همسریابی با کودکان

۲۴ سازمان مدنی خواستار حذف سایت «آدم و حوا» شدند

گروه اجتماعی: ۲۴ سازمان مدنی خواستار حذف این اپلیکیشن شده‌اند؛ اعتراض‌ها متوجه نمایش مشخصات دختران زیر ۱۸ سال و مسئولیت نهادهای ناظر است. یک سامانه همسریابی ایرانی به دلیل نمایش مشخصات دختران نوجوان با درخواست حذف از گوگل‌پلی روبه‌رو شده است. ۲۴ سازمان مدنی و حقوق بشری می‌گویند «آدم و حوا» امکان جست‌وجوی دختران ۱۳ تا ۱۷ ساله را برای ازدواج فراهم کرده و از گوگل و متا خواسته‌اند، عرضه و تبلیغ آن را متوقف کنند. این درخواست در نامه‌ای مشترک، هشتم اکتبر، در آستانه روز جهانی دختر منتشر شده است. امضاکنندگان می‌خواهند حساب‌های تبلیغاتی سامانه در اینستاگرام و تردز نیز حذف شود و اطلاعات شناسایی‌کننده کودکانی که در این خدمت معرفی شده‌اند از دسترس عمومی خارج شود.

اعتراض‌ها بر پایه تحقیق مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران مطرح شده است؛ تحقیقی که نحوه ثبت‌نام و نمایش مشخصات کاربران را بررسی کرده و می‌گوید، اطلاعات دختران نوجوان، بدون نیاز به ورود به حساب کاربری، قابل مشاهده بوده است. این یافته، بحث را از سن ازدواج فراتر برده و به امنیت اطلاعات کودکان و مسئولیت سامانه‌ای رسانده که آنان را به جویندگان همسر معرفی می‌کند.

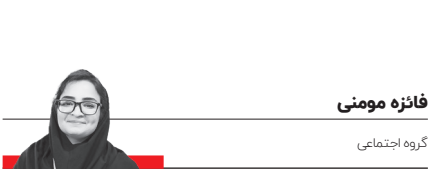
دختران ۱۴ ساله در نتایج جست‌وجو

در یکی از تصاویر منتشرشده، سه مشخصات‌نامه با عنوان «خانم ۱۴ساله» دیده می‌شود. سن، قد، وزن، تحصیلات و محل زندگی کنار هم قرار گرفته‌اند و دکمه‌ای برای مشاهده

جامعه

ابهام ۱۱۰ هکتاری

ماجرای اختصاص زمین‌های چابهار به افغانستان چیست؟



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

یک روز پس از انتشار سخنان محسن زنگنه درباره اختصاص حدود ۱۱۰ هکتار زمین در چابهار به افغانستان، توضیح نماینده مجلس و تکذیب فرماندار، هنوز تصویر روشنی از این تفاهم به‌دست نمی‌دهد. زنگنه می‌گوید موضوع، سرمایه‌گذاری و تسهیل تجارت است نه واگذاری خاک ایران؛ فرماندار چابهار نیز خبر واگذاری اراضی به اتباع خارجی را رد کرده است. اما درباره اینکه چه زمینی، با چه قراردادی و به چه کسی اختصاص خواهد یافت، اطلاعات کافی منتشر نشده است. بحث با عبارتی آغاز شد که زنگنه در گفت‌وگو با شبکه سحر به کار برد: افغانستان بتواند در چابهار «یک سرزمین متعلق به خودش داشته باشد». او در توضیح بعدی از اختصاص ۱۰ هکتار در بندر و حدود ۱۰۰ هکتار در منطقه آزاد برای ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی سخن گفت و برداشت مربوط به انتقال حاکمیت را نادرست دانست. از نظر حقوقی امکان اجاره زمین و سپردن بهره‌برداری به سرمایه‌گذار خارجی وجود دارد. تجربه آن هم دور از چابهار نیست؛ ایران پیش‌تر برای فعالیت یک شرکت هندی در همین بندر قرارداد بسته است. با این حال وجود چنین سازوکاری درباره شرایط و منفعت توافق تازه چیزی را ثابت نمی‌کند.

تکذیبی که همه پرسش‌ها را پاسخ نمی‌دهد

علیرضا نورا، فرماندار چابهار، تأکید کرده سرمایه‌گذاری اتباع خارجی باید در چارچوب قوانین و با دریافت مجوز انجام شود. این توضیح اصل امکان سرمایه‌گذاری را تأیید می‌کند، اما نسبت تکذیب او با تفاهمی که زنگنه از آن سخن می‌گوید همچنان نیازمند توضیح است. ممکن است نماینده مجلس درباره توافق اولیه صحبت کرده باشد و فرماندار، واگذاری انجام‌شده را رد کند. میان این دو مرحله فاصله وجود دارد: مذاکره می‌تواند به تفاهم برسد اما تحویل زمین به تعیین قطعه، احراز اختیار واگذارکننده، دریافت مجوزها و تنظیم قرارداد وابسته است. اظهارات منتشرشده این مسیر را روشن نمی‌کند. حتی عنوان محل زمین در روایت‌ها یکسان نیست؛

جزئیات بیشتر وجود دارد. نوجوانان با همان قالبی معرفی شده‌اند که برای کاربران بزرگسال به کار می‌رود. پژوهشگران می‌گویند، جست‌وجوی دختران ۱۳ تا ۱۷ساله به سقف نمایش صد پروفایل رسیده است. این عدد شمار نتایج جست‌وجوست و نباید آن را تعداد ازدواج‌های انجام‌شده، تلقی کرد. یافته اصلی امکان انتخاب یک بازه سنی زیر ۱۸سال و دریافت فهرستی از مشخصات برای ازدواج است. بنا بر این تحقیق شرایط اعلام شده «آدم و حوا» ثبت‌نام زنان بالای ۱۵ سال را مجاز می‌داند اما سامانه اطلاعات مربوط به سن پایین‌تر را نیز پذیرفته است. حتی اجرای شرط اعلام شده، دختران ۱۶ و ۱۷ساله را از فهرست همسریابی خارج نمی‌کند. گزارش همچنین به معرفی ازدواج یک دختر ۱۶ ساله با مردی ۲۳ساله به‌عنوان نمونه موفق اشاره دارد. این نوع تبلیغ، نشان می‌دهد بحث تنها به یک نقص احتمالی در ثبت‌نام محدود نیست؛ ازدواج نوجوان می‌تواند در محتوای تبلیغاتی سامانه نیز به‌عنوان حاصل موفق فعالیت آن معرفی شود.

حسابی که والدین برای فرزند می‌سازند

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق، امکان ایجاد پروفایل برای بستگان درجه یک، از جمله فرزندان است. چنین امکانی به والدین اجازه می‌دهد، مشخصات فرزندشان را وارد چرخه معرفی برای ازدواج کنند. در این شیوه، ساخت حساب به‌تنهایی نشان‌دهنده رضایت نوجوان نیست. تصمیم خانواده درباره ازدواج و رضایت فرد به انتشار اطلاعات شخصی نیز دو موضوع جداگانه‌اند. نوجوان باید بداند چه اطلاعاتی از او

گاهی منطقه ویژه اقتصادی و گاهی منطقه آزاد ذکر شده است. این تفاوت صرفاً لفظی نیست زیرا مقررات و مرجع اداره آنها متفاوت است. بدون مشخص شدن موقعیت زمین، نمی‌توان درباره ضوابط حاکم بر تمام ۱۱۰ هکتار حکم واحد داد. هویت طرف افغانستانی نیز اهمیت دارد. قرارداد با دولت، یک شرکت دولتی یا بازرگانان خصوصی، تعهدات و مخاطرات یکسانی ندارد. عبارت کلی «اختصاص به افغانستان» این تفاوت‌ها را پنهان می‌کند و تصویری سیاسی از موضوعی می‌سازد که برای ارزیابی آن، جزئیات حقوقی و اقتصادی لازم است.

آیا چنین بهره‌برداری‌ای شدنی است؟

قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی، پاسخ روشنی به بخشی از پرسشش می‌دهد. تبصره نخست ماده ۲۴ اجاره زمین به اتباع خارجی را مجاز و فروش آن به آنان را ممنوع کرده است. ماده هشتم نیز به سازمان منطقه اجازه می‌دهد با اشخاص داخلی و خارجی قرارداد ببندد و با رعایت قانون اساسی در طرح‌های عمرانی و تولیدی مشارکت کند. بر این اساس می‌توان زمینی را در چارچوب مجاز برای ساخت انبار تأسیسات حمل‌ونقل یا واحد تولیدی در اختیار سرمایه‌گذار خارجی گذاشت. بهره‌بردار از فعالیت اقتصادی درآمد کسب می‌کند اما این حق به‌خودی‌خود زمین را از قلمرو ایران خارج نمی‌کند و برای او اختیار حکمرانی به وجود نمی‌آورد. نمونه نزدیک، قرارداد ۱۳ مه ۲۰۲۴ ایران و هند است. براساس اعلام دولت هند، تجهیز و بهره‌برداری از پایانه کانتینری و کالای عمومی بندر شهید بهشتی چابهار برای دوره‌ای ۱۰ساله پیش‌بینی شده بود. موضوع قرارداد، محدوده‌ای از عملیات بندری بود نه انتقال حاکمیت بر چابهار. در بندر خلیفه ابوظبی نیز سال ۲۰۱۶ امتیازی ۳۵ ساله برای فعالیت شرکت مشترک مرتبط با کاسکو چین در پایانه دوم کانتینری اعلام شد. بنابرین حضور بهره‌بردار خارجی در بندر، مدل ناشناخته‌ای نیست. تفاوت در این است که موضوع، طرف قرارداد و مدت آن باید مشخص باشد. درباره توافق افغانستان، هنوز نمی‌توان از وجود یک قرارداد اجاره بلندمدت با شرایط معلوم سخن گفت. در منابع بررسی شده، سندی حاوی مدت، مبلغ و تعهدات این واگذاری پیدا نشد. توضیح رسانه‌ها درباره رایج بودن چنین قراردادهایی، جای انتشار مشخصات همین توافق را نمی‌گیرد.

 خانم ۱۴ ساله (اردیبهشت ۹۰) کد فرم : ۱۳۲۷۱۵۱ قد: ۱۶۸ وزن: ۷۵ 🎓 تحصیلات : دیپلم و پایین تر 📍 مرکزی - ساوه
جزئیات بیشتر
خانم ۱۴ ساله (مرداد ۹۰) کد فرم : ۱۳۲۳۰۹۶ قد: ۱۶۰ وزن: ۴۵ 🎓 تحصیلات : دیپلم و پایین تر 📍 خراسان رضوی - مشهد
جزئیات بیشتر
خانم ۱۴ ساله (مرداد ۹۰) کد فرم : ۱۳۱۷۴۱۰ قد: ۱۶۵ وزن: ۵۰ 🎓 تحصیلات : دیپلم و پایین تر 📍 خراسان رضوی - مشهد

منتشر شده، چه کسانی می‌توانند آن را ببینند و چگونه می‌تواند درخواست حذف بدهد.

این مسئله در محیط آنلاین اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مشخصاتی که در اختیار آشنایان خانواده قرار می‌گیرد با اطلاعاتی که کاربر ناشناس می‌تواند، جست‌وجو و ذخیره کند، دامنه انتشار یکسانی ندارد. اطلاعات می‌تواند از سامانه به پیام‌رسان‌ها و صفحات دیگر منتقل شود؛ در آن صورت پاک‌کردن حساب اولیه همه نسخه‌های منتشرشده را از بین نمی‌برد. درخواست سازمان‌های مدنی برای جلوگیری

زمین، نقطه آغاز است

برای افغانستان محصور در خشکی، دسترسی به چابهار می‌تواند، مسیر دیگری برای تجارت دریایی فراهم کند. انبار اختصاصی، محل تجمیع محموله و خدمات بسته‌بندی یا حمل‌ونقل در صورت وجود تقاضا به این دسترسی کمک می‌کند. ایران نیز می‌تواند از جابه‌جایی کالا و ارائه خدمات درآمد داشته باشد. اما فاصله میان اختصاص زمین و شروع فعالیت با اعلام مساحت پر نمی‌شود. راه دسترسی، آب و برق، تجهیزات، تشریفات گمرکی و ارتباط با اسکله باید فراهم باشد. قرارداد همچنین باید مشخص کند که کدام بخش از این هزینه‌ها برعهده سرمایه‌گذار است و کدام بخش از منابع عمومی پرداخت می‌شود. زنگنه از امکان ایجاد بندر خشک هم نام برده است. در اسناد اسکاپ، بندر خشک به مرکزی در خشکی برای خدمات کالا و تشریفات مربوط، متصل به شبکه حمل‌ونقل، گفته می‌شود. این عنوان به‌تنهایی ظرفیت ایجاد نمی‌کند؛ محل، نوع فعالیت و ارتباط آن با مسیرهای تجاری باید در طرح اجرایی تعریف شود. تاجر نیز مسیر را فقط براساس زمین اختصاصی انتخاب نمی‌کند. هزینه نهایی حمل، زمان ترخیص، نظم خدمات و امکان پرداخت پول تعیین‌کننده‌اند. وزارت صنعت و تجارت افغانستان پیش‌تر در نشست با تاجران، مشکلات بانکی و حمل‌ونقل مرتبط با چابهار را مطرح کرده بود. بدون پاسخ به این مسائل، زمین ممکن است تخصیص یابد اما فعالیت اقتصادی به اندازه وعده‌ها شکل نگیرد.

منفعت چابهار کجای توافق است؟

بخشی از واکنش‌ها، اختصاص زمین را به اسکان اتباع افغانستانی پیوند زده است. در توضیحات منتشر شده، سندی برای کاربری مسکونی این قطعات ارائه نشده است. سرمایه‌گذاری تجاری نیز به‌خودی‌خود مجوز اقامت دائمی ایجاد نمی‌کند. بررسی این پرونده باید بر کاربری زمین و حقوق بهره‌بردار متمرکز بماند. برای مردم چابهار، پرسش مهم‌تر می‌تواند ف سهم منطقه از این همکاری باشد: چه میزان سرمایه وارد می‌شود، چند فرصت شغلی ایجاد خواهد شد و چه درآمدی نصیب بخش عمومی می‌شود؟ صرف حفظ مالکیت زمین، تضمین نمی‌کند قرارداد از نظر اقتصادی مطلوب باشد. توضیحات موجود، ادعای انتقال حاکمیت ایران را تأیید نمی‌کند؛ اما برای داوری درباره سودمندی این تفاهم نیز کافی نیست. بهره‌برداری خارجی در چابهار شدنی است. مسئله اکنون این است که توافق اعلام شده، چگونه اجرا خواهد شد و ایران در برابر حق که واگذار می‌کند دقیقاً چه به‌دست خواهد آورد.

از انتشار نام، عکس، محل سکونت و دیگر اطلاعات شناسایی‌کننده کودکان متوجه همین خطر است. حذف برنامه از یک فروشگاه، بخشی از دسترسی را محدود می‌کند؛ حفاظت از نوجوانانی که پیش‌تر معرفی شده‌اند به رسیدگی به داده‌های منتشرشده نیز نیاز دارد.

مجوز رسمی و مسئولیت نظارت

«آدم و حوا» خدمات خود را با عنوان تسهیل ازدواج، مشاوره و آموزش معرفی می‌کند و به داشتن مجوز سازمان تبلیغات اسلامی استناد دارد. برخورداری از مجوز برای خانواده‌ها می‌تواند، نشانه اعتماد به خدمت باشد. به همین دلیل اعتراض اخیر مسئولیت دستگاه‌های ناظر را نیز مطرح کرده است. نهاد صادرکننده مجوز باید بتواند توضیح دهد چه ضوابطی برای سن ثبت‌نام، ایجاد حساب توسط والدین و نمایش عمومی مشخصات وجود دارد و اجرای آنها چگونه بررسی می‌شود. بررسی این موارد، بخشی از نظارت بر فعالیت سامانه است؛ به‌خصوص وقتی خدمات آن به افراد کم‌سن‌وسال نیز می‌رسد. قانون کشور، ازدواج زیر ۱۸ سال را به‌طور کلی ممنوع نکرده است. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج دختر پیش از ۱۳ سالگی و پسر پیش از ۱۵ سالگی را به اذن ولی، رعایت مصلحت و تشخیص دادگاه صالح مشروط می‌کند. اما این مقررات، پاسخ مستقیمی به مسئله انتشار مشخصات کودکان در اینترنت نمی‌دهد.

امکان قانونی ازدواج در شرایط معین، مسئولیت حفاظت از اطلاعات نوجوان را از میان نمی‌برد. سامانه همسریابی، حتی با استناد به قانون داخلی و رضایت خانواده، همچنان باید درباره دسترسی دیگران به داده‌ها و امکان حذف آنها پاسخگو باشد. نامه مشترک، گوگل و متا را نیز مخاطب همین مسئولیت قرار داده است. گوگل‌پلی مسیر دریافت برنامه است و اینستاگرام و تردز به معرفی و تبلیغ آن کمک می‌کنند. امضاکنندگان خواهان توقف این خدمات و جلوگیری از عرضه دوباره سامانه با حساب‌های جایگزین شده‌اند.

محیط زیست

چیتگر در آستانه نابودی

۶۹ درصد درختان خشک یا بحرانی‌اند

محمد درویش می‌گوید، فرسودگی شبکه آبیاری و سال‌ها بی‌توجهی به تأمین آب، بخش بزرگی از پوشش درختی چیتگر را از بین برده است.

حدود ۴۱درصد درختان پارک جنگلی چیتگر به‌طور کامل خشک شده‌اند و ۲۸درصد دیگر در وضعیت بحرانی قرار دارند. محمد درویش، فعال محیط‌زیست، می‌گوید این وضعیت را نمی‌توان تنها با خشکسالی توضیح داد و ضعف مدیریت آبیاری در سال‌های گذشته، نقش مهمی در نابودی درختان داشته است.

به گفته درویش، تاکنون حدود ۳۲۰ هکتار از جنگل‌های دست‌کاشت تهران خشک شده و ۶۲۰۰ هکتار دیگر با تنش آبی مواجهند. او می‌گوید مسیرهای انتقال آب چیتگر از سال ۱۳۹۶ به‌درستی لایروبی و مرمت نشده و شکستگی لوله‌ها، آبرسانی به بخش‌هایی از جنگل را مختل کرده است.

این فعال محیط‌زیست با انتقاد از عملکرد مدیریت شهری در دوره‌های مختلف گفت با وجود اختصاص بودجه برای اصلاح زیرساخت‌ها در دوره شهرداری پیروز حناچی، اقدامات لازم به نتیجه نرسید و در دوره علیرضا زاکانی نیز رسیدگی کافی صورت نگرفت.

درویش همچنین ادعای کمبود مطلق منابع آب را زیر سؤال برد. به گفته او، تهران سالانه حدود ۱.۱ میلیارد مترمکعب فاضلاب تولید می‌کند و با تصفیه و استفاده از نزدیک به ۲۰۰ میلیون مترمکعب آن می‌توان نیاز آبی فضای سبز شهر را تأمین کرد.

او با اشاره به ادعای شهرداری درباره ایجاد ۷۰۰۰ هکتار جنگل جدید، در گفت‌وگو با فرارو خواستار بررسی علت بی‌توجهی به جنگل‌های قدیمی و ورود سازمان بازرسی کل کشور شد. درویش همچنین تأکید کرد، آفات لزوماً عامل اولیه خشکیدگی نیستند و کم‌آبی می‌تواند، درختان را در برابر آفات آسیب‌پذیر کند.

با وجود این خسارت، به گفته او بیش از ۳۰ درصد پوشش درختی چیتگر همچنان باقی مانده است. درویش احیای بخش‌های آسیب‌دیده را نیازمند آبیاری پایدار، استفاده از سبب تصفیه شده و کاشت ترکیبی از گونه‌های بومی پهن‌برگ و سوزنی‌برگ می‌داند.



سال نهم شماره ۲۳۴۸
شنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۵



ادامه گزارش یک

کارگزاران سازندگی؛ گذار از «جمهوری دوم» به «جمهوری سوم»

۳ حزب رفاه: سومین ویژگی، تأکید بر رفاه در کنار عدالت و آزادی بود. رئیس کمیته سیاسی حزب کارگزاران سازندگی ایران معتقد است که رفاه‌طلبی نه یک ارزش منفی، بلکه هدفی مشروع برای سیاستگذاری عمومی است. اما در آن دوره، تأکید بر زندگی پاکفیت، برخورداری از پوشاک و خوراک مناسب و بهبود سطح زندگی، در برابر نگرشی قرار می‌گرفت که گاه محرومیت و سادزیستی ظاهری را به‌خودی‌خود ارزش تلقی می‌کرد. قوچانی در این زمینه، به انتقادهای فراوانی که در دهه ۱۳۷۰ از آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی و مفهوم تجمل‌شد، اشاره کرد.

۴ **حزب تکنوکرات:** چهارمین ویژگی در نگاه قوچانی، توجه به تخصص، مدیریت اجرایی و توسعه صنعتی بود. او توضیح داد که کارگزاران می‌کوشید میان سیاستگذاری و دانش تخصصی پیوند برقرار کند و از دوگانه‌سازی میان کشاورزی و صنعت فاصله بگیرد؛ چراکه توسعه کشاورزی نیز بدون ارتقای فناوری و بهره‌گیری از دانش فنی امکان‌پذیر نیست. در این چارچوب، مخالفت‌های فرهنگی و سیاسی با برخی زیرساخت‌های مدرن، از جمله مترو، در اظهارات قوچانی نمونه‌ای از مقاومت در برابر تغییرات توسعه‌ای تلقی شد. همچنین او به اهمیت برنامه‌ریزی برای توسعه صنعتی و نقش چهره‌هایی مانند مسعود نبلی در صورت‌بندی راهبردهای توسعه صنعتی کشور اشاره کرد.

۵ **حزب پارلمانی:** رئیس کمیته سیاسی حزب کارگزاران سازندگی ایران در ادامه تأکید کرد که این حزب در شرایطی وارد رقابت انتخاباتی شد که بخشی از نیروهای چپ سنتی نسبت به مشارکت در ساختار سیاسی دچار سرخوردگی شده بودند. حزب کارگزاران سازندگی توانست در آستانه انتخابات مجلس پنجم، بخشی از فضای رقابت سیاسی را احیا کند و زمینه حضور دوباره نیرو‌هایی را فراهم آورد که از محدود شدن میدان سیاست‌ورزی ناراضی بودند. در این میان، حضور عبدالله نوری و شکل‌گیری رقابت سیاسی آن دوره، از نشانه‌های تغییر در فضای سیاسی کشور بود.

۶ **حزب ملی:** قوچانی تأکید بر ایران و استفاده از پرچم کشور به‌عنوان نماد حزبی را از دیگر ویژگی‌های کارگزاران معرفی کرد. در نگاه او، هویت ملی و تعلق به ایران می‌توانست مبنایی مشترک برای کنش سیاسی باشد؛ مبنایی که فراتر از تعلقات جناحی و ایدئولوژیک قرار می‌گرفت.

۷ **حزب زنان:** او در ادامه حضور فائزه هاشمی در رقابت‌های انتخاباتی مجلس پنجم را یکی دیگر از ویژگی‌های متمایز آن دوره دانست و تأکید کرد که این حضور، در شرایطی که رقابت با چهره‌های بانفوذ سیاسی و مذهبی همچنان دشوار بود، نشانه‌ای از تغییر در مناسبات انتخاباتی و گسترش امکان حضور زنان در عرصه سیاست بود. در روایت قوچانی، رقابت فائزه هاشمی با ناطق‌نوری و طرح انتقادهایی درباره نتیجه انتخابات، نشان‌دهنده اهمیت این رقابت در فضای سیاسی آن زمان بود.

۸ **حزب لیبرال‌دموکرات مسلمان:** قوچانی، یکی از مهم‌ترین انتقادهای به‌عملکرد تشکیلاتی کارگزاران سازندگی را، ناتوانی در تداوم و بسط مبانی نظری هویت حزب دانست. او توضیح داد که در مقطعی، سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، این حزب را جریانی «لیبرال‌دموکرات مسلمان» معرفی کرد؛ تعریفی که می‌توانست مبنای صورت‌بندی هویت فکری حزب و تمایز آن با دیگر جریان‌های سیاسی باشد.

دوران طلایی سازندگی (۱۳۷۹–۱۳۶۸)

قوچانی، دهه ۱۳۷۰ و به‌ویژه سال‌های نخست دولت هاشمی‌رفسنجانی را دوره‌ای تعیین‌کننده در تاریخ اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی توصیف کرد. او معتقد است که تأثیر سیاست‌های این دوره تنها به سال‌های دولت سازندگی محدود نماند و بخشی از زیرساخت‌های اقتصادی، مدیریتی و فکری دوره اصلاحات نیز در همان سال‌ها شکل گرفت. قوچانی، یکی از عوامل مهم در عملکرد دولت سازندگی را همسویی نسبی رهبری و ریاست‌جمهوری در سال‌های ابتدایی این دوره دانست و به خاطرات هاشمی‌رفسنجانی درباره ترکیب کابینه نخست او اشاره کرد؛ کابینه‌ای که چهره‌هایی چون محمد خاتمی، عبدالله نوری، محمد محیط، محسن نوربخش و غلامحسین کرباسچی در آن حضور داشتند. در تحلیل قوچانی، ترکیب کابینه و هماهنگی بیشتر میان نهادهای اصلی قدرت، از عوامل مؤثر در پیشبرد برنامه‌های اقتصادی و اجرایی به‌عنوان اولین دستاورد حزب معرفی شد. او همچنین تأکید کرد که بسیاری از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در سال‌های نخست دولت سازندگی، در مقایسه با دوره‌های بعد، عملکرد مطلوب‌تری داشتند.

دومین دستاورد از نظر رئیس کمیته سیاسی حزب کارگزاران سازندگی ایران، ظهور جریانی در میانه جناح چپ و راست بود؛ جریانی که بعدها بخشی از مؤلفه‌های آن در گفتمان اعتدال و میانه‌روی بازتاب یافت. این رویکرد می‌کوشید از دوگانه‌های مسلط سیاسی فاصله بگیرد و به‌جای تعریف هویت سیاسی صرفاً بر مبنای صفت‌بندی‌های جناحی، بر کارآمدی، توسعه و مدیریت کشور تأکید کند.

سومین دستاورد، بازگشت توجه به تجربه توسعه صنعتی دهه ۱۳۴۰ بود. در آن دوره، با نقش‌آفرینی مدیرانی مانند علینقی عالیخانی، تلاش‌هایی برای تحول اقتصاد ایران، گسترش صنعت و تقویت بخش تولید صورت گرفت. او توضیح داد که از این منظر، این تجربه سه‌تانه در تحول اقتصاد، بلکه در ایجاد گروه‌های اجتماعی جدید نیز اهمیت داشت. او توضیح داد که جنگ و مصادره‌ها این روند را متوقف یا تضعیف کردند، اما دولت سازندگی در دهه ۱۳۷۰ بار دیگر توسعه صنعتی و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی را در دستور کار قرار داد.

دیدگاه

بررسی مسائل روز

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی ● **صاحب امتیاز:** حزب کارگزاران سازندگی ایران ● **مدیرمسئول:** امیر اقتعانی ● **سردبیر:** اکبر منتجبی ز پرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتعانی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده ● **عکس:** رضا معطریان ● **ویراستار:** سعیده آرین‌فر ● **حروف‌چین:** سحر خسروچردی ● **نشانی:** تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ ● **چاپ:** امید نشر ایرانیان: ۹–۸۸۵۳۷۲۶۸ ● **توزیع:** نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

چهارمین دستاورد، از دید عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران، گسترش مجدد فضای روشنفکری و انتشار نشریاتی مانند «کیان»، «ایران فردا»، «گفت‌وگو» و «عصر ما» بود که مباحث سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظری می‌پرداختند. قوچانی در ادامه تأکید کرد که با وجود انتقادهایی که درباره محدودیت‌های سیاسی دولت هاشمی وجود داشت، بخشی از زمینه‌های فکری و مطبوعاتی دوره اصلاحات در همان دهه شکل گرفت.

پنجمین دستاورد، تلاش برای اجرای برنامه تعدیل اقتصادی بود؛ برنامه‌ای که با نقش‌آفرینی مدیران اقتصادی مانند محمدحسین روغنی‌زنجانی و محمد طبیبیان در دستور کار دولت قرار گرفت. قوچانی معتقد است که این برنامه با مخالفت‌هایی از سوی بخش‌هایی از جناح چپ و راست و نیز مجلس چهارم روبه‌رو شد و در ادامه، به دلایل مختلف ازجمله مشکلات اجرایی و اختلافات سیاسی، به‌طور کامل پیش نرفت. بااین‌حال، تأکید کرد که مسائل مربوط به اصلاح ساختار اقتصادی، سیاست‌های یارانه‌ای، قیمت انرژی و شیوه توزیع منابع عمومی همچنان از مسائل حل‌نشده اقتصاد ایران هستند. رئیس کمیته سیاسی حزب کارگزاران سازندگی ایران ششمین دستاورد دوره سازندگی را شکل‌گیری تجربه‌ای تازه در مدیریت شهری پایتخت و شهرهای بزرگ دانست. او گفت که در این زمینه، غلامحسین کرباسچی، شهردار وقت تهران، بسا اراده‌الگوی مبتنی بر توسعه شهری و ارتقای خدمات عمومی، نقش مهمی در برسته‌شدن مدیریت شهری در کارنامه دولت سازندگی داشت. قوچانی تصریح کرد که در ادامه این مسیر، محسن هاشمی نیز با کسب آرای قابل‌توجه در انتخابات شورای شهر تهران، ظرفیت اجتماعی رویکرد تکنوکراتیک را نشان داد؛ ظرفیتی که به اعتقاد او، به دلیل اختلافات درون جبهه اصلاحات و واگذاری فرصت‌های مدیریتی به جریان‌های رقیب، به‌درستی مورد استفاده قرار نگرفت.

ضعف‌های دولت سازندگی

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران در کنار دستاوردها، بر چند ضعف اساسی دولت سازندگی نیز تأکید کرد؛ ضعف‌هایی که آثار آنها در دهه‌های بعد آشکار شد. این جمله:

خصوصی‌سازی بدون آزادسازی اقتصاد: به باور قوچانی، نخستین ضعف، اجرای خصوصی‌سازی بدون فراهم کردن الزامات اقتصاد رقابتی و آزادسازی اقتصادی بود. در این وضعیت، انتقال مالکیت لزوماً به ایجاد رقابت، شفافیت و افزایش بهره‌وری منجر نشد و در برخی موارد زمینه گسترش رانت و مناسبات غیررقابتی را فراهم کرد.

ورود نیروهای نظامی و امنیتی به اقتصاد: دومین ضعف از نظر او، ورود نیروهای نظامی و امنیتی به حوزه اقتصاد بود. قوچانی در ادامه توضیح داد که هدف اولیه هاشمی‌رفسنجانی از استفاده از ظرفیت این نیروها برای بازسازی کشور، لزوماً ناموفق تلقی نشد؛ اما شیوه اجرا و نبود سازوکارهای کافی برای محدود کردن نقش اقتصادی آنها، در ادامه به افزایش قدرت اجتماعی و سیاسی این نهادها انجامید.

بحران جانفشینی: قوچانی سومین ضعف را نداشتن برنامه روشن برای جانفشینی سیاسی و استمرار گفتمان سازندگی می‌داند. او معتقد است که هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چهره‌های نظام سیاسی، به‌اندازه کافی برای تداوم مسیر خود پس از پایان دوره ریاست‌جمهوری برنامه‌ریزی نکرد. این در حالی بود که از سال‌های نخست دولت او، امکان شکل‌گیری رقابت بر سر جایگاه سیاسی‌اش وجود داشت. در نتیجه، سازندگی بیش از اندازه به شخص هاشمی وابسته ماند و حزب کارگزاران نیز توانست به‌موقع چهره‌ای جایگزین و مورد اجماع برای ادامه این مسیر معرفی کند.

بازگشت جریان چپ: چهارمین ضعف به باور او، بازگشت جریان چپ به مرکز قدرت و قرار گرفتن کارگزاران در موقعیتی بود که برای ادامه فعالیت سیاسی ناچار شد به انتقال با این جریان تکیه کند. قوچانی معتقد است که محمد خاتمی از بخش‌های معتدل‌تر جریان چپ بود، اما تأکید کرد که حزب کارگزاران در دولت اصلاحات نتوانست متناسب با نقش خود در شکل‌گیری آن دولت، سهم و جایگاه مؤثری در سطوح مختلف مدیریتی حفظ کند. **بحران هسته‌ای** و حل‌نکردن مسئله **رابطه با آمریکا:** قوچانی معتقد است یکی دیگر از ضعف‌هایی که در ارزیابی دوره ساززندگی باید به آن پرداخت، حل‌نشدن مسئله رابطه ایران و آمریکا با باقی‌ماندن تنش‌های دو کشور بود. او توضیح داد که با وجود پایان جنگ ایران و عراق و تلاش دولت هاشمی‌رفسنجانی برای بازسازی کشور، زمینه لازم برای حل پایدار اختلافات با واشنگتن فراهم نشد. او تأکید دارد که پیامد این وضعیت را باید در افق بلندمدت بررسی کرد، چرا که پرونده هسته‌ای ایران در سال‌های بعد به یکی از محورهای اصلی مناقشه با آمریکا و کشورهای غربی تبدیل شد. قوچانی معتقد است که هرچند بحران هسته‌ای به‌صورت علنی در سال ۱۳۸۱ مطرح شد و نمی‌توان شکل‌گیری آن را مستقیماً به دولت سازندگی نسبت داد، اما حل‌نشدن اختلافات بنیادین ایران و آمریکا و فقدان یک چارچوب پایدار برای مدیریت تنش‌ها، در ارزیابی تاریخی سیاست خارجی جمهوری اسلامی اهمیت دارد.

بی‌توجهی به استمرار کاردها: پنجمین ضعف از نظر قوچانی، بی‌توجهی کافی به تربیت و استمرار نیروهای سیاسی و مدیریتی بود. او معتقد است که دهه ۱۳۷۰ با وجود دستاوردهایش، به دلیل فقدان برنامه‌ای مؤثر برای انتقال تجربه و تربیت نسل بعدی مدیران، نتوانست به‌الگوی پایدار برای بازتولید گفتمان سازندگی تبدیل شود. در نتیجه، بخشی از تجربه‌های ارزشمند آن دوره با تغییر دولت‌ها و جایجایی مدیران از دسترس خارج شد و گفتمان سازندگی نیز به‌تدریج از جایگاه پیشرو خود فاصله گرفت.

بررسی مسائل روز

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی ● **صاحب امتیاز:** حزب کارگزاران سازندگی ایران ● **مدیرمسئول:** امیر اقتعانی ● **سردبیر:** اکبر منتجبی ز پرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتعانی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده ● **عکس:** رضا معطریان ● **ویراستار:** سعیده آرین‌فر ● **حروف‌چین:** سحر خسروچردی ● **نشانی:** تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ ● **چاپ:** امید نشر ایرانیان: ۹–۸۸۵۳۷۲۶۸ ● **توزیع:** نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارگزاران سازندگی؛ گذار از «جمهوری دوم» به «جمهوری سوم»

مناسبات سیاسی برآمده از بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸، در بلندمدت نمی‌تواند بدون تغییر به مسیر خود ادامه دهد. در این میان، تغییرات نسلی، تحولات سیاسی و شرایط بین‌المللی می‌توانند زمینه شکل‌گیری مرحله‌ای تازه را فراهم کنند که می‌توان از آن با عنوان «جمهوری سوم» یاد کرد.

از نظر او این مفهوم، در وهله نخست، توصیفی از یک گذار احتمالی در ساختار سیاسی است، نه صرفاً نام‌گذاری یک دوره انتخاباتی. قوچانی، برای توضیح این مفهوم، تجربه فرانسه را مدنظر قرار داد؛ کشوری که در تاریخ جمهوری‌خواهی خود، در پی تحولات مکرر سیاسی، چندین جمهوری را تجربه کرده است. بااین‌حال، معتقد است که اطلاق عنوان جمهوری سوم به تحولات پس از دوم خرداد ۱۳۷۶، بدون تغییر بنیادی در ساختار حقوقی و سیاسی، دقیق نیست. بر این اساس، کارگزاران باید به‌جای اتکا به میراث تاریخی خود، درباره نقش آینده‌اش در نظم سیاسی احتمالی جدید تصمیم بگیرد. نقشی که از نظر او در هفت محور اصلی قابل صورت‌بندی است:

۱ **تلاش برای برقراری صلح و پایان دادن به جنگ:** نخستین اولویت، تلاش برای برقراری صلح و جلوگیری از تداوم جنگ و تخریب است. قوچانی معتقد است که بدون کاهش تنش‌های نظامی و ایجاد شرایط ثبات، امکان بازسازی اقتصاد، احیای طبقه متوسط و پیگیری یک برنامه توسعه پایدار محدود خواهد بود.

۲ **تعیین نسبت حزب با نقش اقتصادی-سیاسی نیروهای نظامی:** دومین مسئله، تعیین نسبت کارگزاران با نیروهای نظامی و امنیتی است. او برای توصیف این وضعیت از اصطلاح «بنابازتسم اسلامی» استفاده کرد؛ وضعیتی که در آن، یک نهاد نظامی به بازیگری مستقل با قدرت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تبدیل می‌شود. قوچانی، ضمن تأکید بر ضرورت بررسی انتقادی این روند، این پرسش را نیز مطرح کرد که اگر الگوی مطلوب آینده نه مشابه آمریکا و کشورهای اروپایی، بلکه متفاوت از آنها باشد، نسبت جریان‌های سیاسی ایران با قدرت متمرکز و نقش گسترده نهادهای نظامی چگونه باید تعریف شود؟

۳ **پایان تحریم‌ها و احیای طبقه متوسط:** سومین اولویت، پایان دادن به تحریم‌ها و فراهم کردن زمینه بازسازی اقتصادی است. قوچانی، طبقه متوسط مدرن را یکی از پایه‌های اجتماعی کارگزاران می‌داند و معتقد است که تداوم تورم، رکود و فقدان چشم‌انداز توسعه، این پایگاه اجتماعی را تضعیف می‌کند. بر همین اساس، از نظر او، برقراری صلح بدون حل مسئله تحریم‌ها برای احیای اقتصاد و بازسازی طبقه متوسط کافی نخواهد بود. گفتمان سازندگی نیز بدون برخورداری از یک پایگاه اجتماعی فعال و برخوردار از چشم‌انداز اقتصادی، نمی‌تواند جایگاه پیشین خود را بازیابد.

۴ **آمادگی برای انتخابات همزمان مجلس و ریاست جمهوری:** چهارمین اولویت، آماده شدن برای رقابت‌های انتخاباتی پیش‌روست. قوچانی با اشاره به احتمال برگزاری همزمان انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری در اردیبهشت ۱۴۰۷، آن را فرصتی مهم برای بازتعریف مناسبات سیاسی و شکل‌گیری یک انتخاب فراگیر برای جامعه می‌داند. او معتقد است که همزمانی انتخابات می‌تواند از تکرار این وضعیت جلوگیری کند که دولت‌ها پس از تشکیل، با مجلسی ناهمسو مواجه شوند و بخش مهمی از انرژی سیاسی کشور صرف تعارض میان دو نهاد منتخب شود.

۵ **عبور از دوگانه اصلاح‌طلب-اصولگر:** پنجمین اولویت، بازتعریف تقسیم‌بندی‌های سیاسی است. در تحلیل قوچانی، دوگانه چپ و راست جمهوری اول در دهه ۶۰ عملاً کارکرد پیشین خود را از دست داده و دوگانه اصلاح‌طلب و اصولگرایی جمهوری دوم نیز به‌تدریج با محدودیت‌های جدی مواجه شده است. بااین‌حال، تأکید می‌کند که این تغییر به‌معنای پایان یافتن اختلافات فکری نیست و برای توضیح بخشی از آرایش سیاسی آینده دوگانه «عملگر-بنیادگر» را تعریف می‌کند؛ دوگانه‌ای که در آن، یک سوی رقابت بر حل مسائل کشور، توسعه و کارآمدی تأکید دارد و سوی دیگر، بیشتر بر حفظ چارچوب‌های اعتقادی و سیاسی سخت‌گیرانه تکیه می‌کند.

۶ **گذر از اسلام‌گرایی به ملی‌گرایی:** ششمین اولویت، تأکید بر هویت ملی و مفهوم ایران در کنار با فراتر از چارچوب‌های سنتی اسلام‌گرایی سیاسی است. قوچانی، توجه دوباره به نمادهای تاریخی ایران و بازنامای چهره‌های ایران باستان‌ها و شهرستان‌ها و تلاش برای تبدیل حزب از یک حلقه صورت‌بندی هویت ملی می‌داند. از این منظر، مفهوم ایران به یکی از محورهای اصلی هویت سیاسی تبدیل شده و کارگزاران نیز باید جایگاه خود را در این تحول روشن کند.

۷ **جمهوری سوم و ضرورت بازنگری در ساختار سیاسی:** هفتمین محور، مشارکت در صورت‌بندی ایده جمهوری سوم و تعیین جایگاه نهادهای سیاسی در نظم آینده است. قوچانی می‌گوید که قانون اساسی موجود با محدودیت‌ها و ایرادهای ساختاری روبه‌روست و ادامه وضع موجود نمی‌تواند پاسخگوی همه تحولات آینده باشد. ازاین‌رو، بحث درباره جمهوری سوم باید فراتر از تغییر افراد یا جابه‌جایی جناح‌ها پیش برود و به ساختارهای حقوقی و نهادی نیز بپردازد. پیشنهاد قوچانی، ایجاد مجلسی در کنار مجلس شورای اسلامی، با الگویی مشابه مجلس سنا است. او معتقد است که یکی از ضعف‌های ساختار سیاسی ایران، فقدان سازوکاری برای استمرار نقش‌آفرینی نخبگان سیاسی و مدیریتی پس از پایان دوره مسئولیت اجرایی آنهاست. به باور او، چنین نهادی، در صورت طراحی دقیق و برخورداری از جایگاه حقوقی روشن، می‌تواند زمینه استفاده از تجربه مدیران و چهره‌های سیاسی باسابقه را فراهم کند. در این چارچوب، برای چهره‌های برجسته کارگزاران نیز می‌توان نقشی مهم در بحث و طراحی ساختارهای آینده متصور شد.